

جهان صنعت

یکشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۵ ■ ۵ صفر ۱۴۴۸ ■ ۲۰ جولای ۲۰۲۶

سال بیست وسوم ■ شماره ۶۱۲۴ ■ ۸ صفحه ■ قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

«جهان صنعت» از ریزش ۱۶ هزار واحدی نماگر بازار سهام گزارش می دهد

سقوط سنگین بورس



«جهان صنعت» دلایل ناکامی نسبی مذاکرات را بررسی کرد

پزشکیان در محاصره تندروها

دیدگاه

امنیت بانک‌ها از اپلیکشن شروع نمی‌شود، از زیر ساخت شروع می‌شود!



حسین طائب✉- هر بار که سامانه یکی از بانک‌های کشور از دسترس خارج می‌شود، اولین واکنش‌ها معمولاً به‌سمت هکرها، حملات سایبری یا اشکال نرم‌افزاری می‌رود. این نگاه تا حدی درست است اما همه واقعیت نیست. اگر ساختمانی با یک زلزله متوسط فرو بریزد،

نمی‌توان تمام تقصیر را گردن زلزله انداخت، باید پرسید چرا ساختمان آنقدر ضعیف ساخته شده بود که توان مقاومت نداشت، درباره بانکداری دیجیتال هم همین منطق برقرار است.

اختلال‌های اخیر شبکه بانکی، بیش از آنکه خبر از قدرت مهاجمان بوده، از ضعف زیرساخت‌هایی حکایت می‌کند که سال‌هاست کمتر دیده شده‌اند. زیرساخت‌هایی که مردم آنها را نمی‌بینند اما هر تراکنش، هر انتقال وجه، هر خرید اینترنتی و هر برداشت از دستگاه خودپرداز روی شانه‌های همین لایه‌های پنهان انجام می‌شود.

در سال‌های گذشته رقابت بانک‌ها بیشتر بر سر چیزی بود که مشتری می‌دیده؛ اپلیکیشن‌های جدید، اینترنت‌بانک‌های مدرن، خدمات آنلاین متنوع و امکاناتی که هرروز به فهرست قابلیت‌های بانک‌ها اضافه می‌شد. این رقابت از نظر تجربه کاربری اتفاق مثبتی بود اما یک سوال اساسی کمتر مطرح شد: آیا زیرساختی که باید این حجم از خدمات را پشتیبانی کند، همپای آن رشد کرده است؟

واقعیت این است که ساخت یک اپلیکیشن جدید هم سریع‌تر نتیجه می‌دهد و هم بیشتر دیده می‌شود. مدیران می‌توانند از آن رونمایی کنند، درباره آن گزارش بدهند و رضایت مشتریان را به نمایش بگذارند اما توسعه یک مرکز داده جدید، خرید تجهیزات پردازی سازمانی یا طراحی معماری مقاوم، پروژه‌هایی هستند که شاید سال‌ها زمان ببرند و اگر درست انجام شوند، اساساً هیچ‌کس متوجه آنها نمی‌شود چون موفقیتشان در این است که بحران رخ ندهد. همین تفاوت به‌تدریج توازن سرمایه‌گذاری را بر هم زد، منابع بیشتری صرف توسعه خدمات شد و بخش مهمی از زیرساخت‌ها با همان ظرفیت گذشته به کار خود ادامه دادند. نتیجه این شد که ساختمان هر روز طبقات بیشتری پیدا کرد اما پی آن تقویت نشد. یکی از مهم‌ترین مشکلات امروز، وجود نقاطی است که خرابی‌شان می‌تواند کل سیستم را از کار بیندازد یعنی بخش‌هایی که اگر از کار بیفتند، زنجیره بزرگی از خدمات نیز متوقف می‌شود. در یک معماری استاندارد هیچ جزء حیاتی نباید تنها یک مسیر یا یک نسخه داشته باشد. اگر یک سرور، یک مرکز داده یا حتی یک نرم‌افزار دچار مشکل شد، سامانه باید بدون آنکه مشتری متوجه شود، از مسیر دیگری به کار خود ادامه دهد. این همان مفهومی است که در دنیا با عنوان تاب‌آوری شناخته می‌شود؛ توانایی ادامه خدمت حتی در شرایط بحران.



ادامه سرمقاله

ایران را در بایبم، پیش از آنکه دیر شود

اگر جنوب ایران ویران یا برای مدتی طولانی از مدار فعالیت خارج شود، چه چیزی باقی می‌ماند که بخواهیم آن را حفظ کنیم؟ اگر بنادر از کار بیفتند، پالایشگاه‌ها آسیب ببینند، نیروگاه‌ها خاموش شوند و امکان تولید و صادرات نفت و گاز از میان برود، چگونه می‌توان کشور را اداره کرد؟ مگر می‌توان میدان نفتی، پالایشگاه، بندر و خط لوله را با چند دستور اداری یا تخصیص بودج‌ای محدود دوباره ساخت؟

ایران بدون جنوب، بدون خلیج‌فارس، بدون بنادر و بدون منابع عظیم انرژی‌اش، دیگر همان ایران نخواهد بود. تمامیت ارضی فقط این نیست که خطوط مرزی روی کاغذ باقی بماند، تمامیت ایران یعنی امکان زندگی مردم در سراسر این سرزمین، استمرار تولید، حفظ زیرساخت‌ها، امنیت شهرها و پیوند اقتصادی و اجتماعی همه مناطق کشور.

اگر بخشی از ایران ویران، خالی از سکنه، ناامن یا از نظر اقتصادی فلج شود حتی اگر مرزهای رسمی روی نقشه تغییر نکنند، تمامیت کشور عملاً آسیب دیده است، تجزیه همیشه با اعلام رسمی استقلال یک منطقه آغاز نمی‌شود. گاهی تجزیه از جایی شروع می‌شود که حکومت مرکزی دیگر توان تأمین امنیت، زندگی و اقتصاد بخش‌هایی از سرزمین خود را ندارد.

در چنین شرایطی باید صریح پرسید: با این راهبرد قرار است چه چیزی حفظ شود؟ حفظ نظام نمی‌تواند مستقل از حفظ ایران معنا داشته باشد. نظام سیاسی برای ایران و مردم ایران است؛ ایران برای بقای یک ساختار سیاسی نیست. اگر سرزمین، زیرساخت، منابع و مردم کشور از میان بروند یا با خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر مواجه شوند، دیگر سخن گفتن از حفظ نظام چه معنایی خواهد داشت؟ نظام باید حافظ این سرزمین باشد، نه آنکه سرزمین

ادامه پرسش روز

باز نشستگان کار گری چه کنند؟

دوم- خب، بازنشستگان چرا همانند ماه‌های تازه‌سپری شده دیگر تجمع‌های کم‌شمار خود را ادامه نمی‌دهند؟ یک دلیل این است که این راه رفته به نتیجه نرسیده و احتمال داده می‌شود کارگران بازنشسته در دادن شعارهای خود از خطرم‌ها عبور کنند. دلیل دیگر این است که در شرایط امروز کشور رعایت حال نهادهای

هزینه حفظ نظام شود. هیچ ساختار سیاسی نمی‌تواند بدون خاک، مردم، اقتصاد، منابع و زیرساخت‌های ملی باقی بماند.

بایبید یکبار دیگر آن صحنه معنادر از جنگ ۱۲روزه را یادآوری کنیم. در مراسم شب عاشورا، رهبر شهید انقلاب از محمود کریمی خواستند که «ای ایران» را بخواند. این درخواست در آن شرایط خاص، فقط انتخاب یک قطعه موسیقی نبود. می‌توان آن را نشانه‌ای دانست از اینکه در لحظه تهدید خارجی، ایران، وطن و همستگی ملی اهمیت بنیادین پیدا می‌کند. ایشان به ایران اهمیت می‌دادند و دفاع از کشور اولویتشان بود. وقتی در شب عاشورا، در یکی از مهم‌ترین مراسم مذهبی کشور، سرود «ای ایران» خوانده می‌شود، پیام آن روشن است: میان باور دینی و علاقه به وطن تعارضی وجود ندارد. ایران طرف تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی همه باورها، مذاهب، اقوام و گرایش‌های سیاسی است. اگر این ظرف شکسته شود، هیچ‌یک از آنچه برای حفظش تلاش کرده‌ایم، امان نخواهد ماند.

نمی‌توان به مردم وعده آرامش داد و سپس کشور را در مسیری قرار داد که هرروز احتمال تخریب یک بندر، پالایشگاه، نیروگاه یا شهر بیشتر شود. دولت باید

ایران را حفظ کرد. راهبرد، جنگه جنگ تا پیروزی» در کشور، اگر سرزمین، زیرساخت، منابع و مردم کشور از میان بروند یا با خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر مواجه شوند، دیگر سخن گفتن از حفظ نظام چه معنایی خواهد داشت؟ نظام باید حافظ این سرزمین باشد، نه آنکه سرزمین

ایران را حفظ کرد. راهبرد، جنگه جنگ تا پیروزی» در کشور، اگر سرزمین، زیرساخت، منابع و مردم کشور از میان بروند یا با خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر مواجه شوند، دیگر سخن گفتن از حفظ نظام چه معنایی خواهد داشت؟ نظام باید حافظ این سرزمین باشد، نه آنکه سرزمین

حاکمیتی را کرده و به تجمع‌های خود شدت کمتری داده‌اند. سوم اینکه واقعا نای فریاد زدن ندارند. سوم- حالا دولت و سازمان تأمین اجتماعی چرا در پرداخت اضافه مستم‌ری قانونی کوتاهی می‌کنند؟ واقعیت این است که دولت پولی برای پرداخت ندارد زیرا توان مالیات‌ستانی‌اش به‌شدت آسیب دیده است. دیگر اینکه افزایش هزینه‌های زندگی مردم دولت را وادار می‌کند کارلایرگ را

بررسی اکنون و آینده جنگ و مذاکره در گفت‌وگوی «جهان‌صنعت» با فریدون مجلسی **کاش رویکرد نجات ایران، جایگزین مظلوم‌نمایی تندروها شود** به باور فریدون مجلسی، زمانی که کشوری با بن‌بست مواجه می‌شود، شرایط دشواری پیش‌روی آن قرار می‌گیرد. ادامه چنین شرایطی به معنای کاستن از توانمندی‌هایی است که می‌توانست در اختیار ملت قرار گیرد و در چنین بن‌بستی، معمولاً تنها راه نجات، ظهور نوعی عقلانیت است که بتواند از دل بحران بیرون بیاید و مسیر جدیدی ایجاد کند. باید در درون همین ساختار، کسانی پیدا شوند که منافع، هستی، آینده خود و فرزندانشان را همانند سایر مردم ایران در معرض خطر ببینند و برای نجات از این وضعیت، تصمیم درست را بگیرند.

سرمقاله

ایران را در بایبم، پیش از آنکه دیر شود

محمدرضا سعدی✉ سال‌هاست از ایران، استقلال، اقتدار و مقاومت سخن گفته‌ایم اما امروز باید از خود پرسیم که این واژه‌ها قرار است در خدمت چه هدفی باشند؟ این روزها که زیرساخت‌های کشور، بنادر، تأسیسات نفتی، پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها، خطوط انتقال انرژی و شیران‌های حیاتی جنوب کشور هدف قرار می‌گیرند، دیگر نمی‌توان با ادبیات معمول سیاسی و شعارهای تکراری از کنار گذشت.

طرف مقابل آشکارا از تخریب زیرساخت‌های ایران سخن می‌گوید و به نظر می‌رسد ضربه زدن به جنوب کشور، بخشی از یک برنامه حساب‌شده است. جنوب ایران فقط یک نقطه جغرافیایی روی نقشه نیست؛ جنوب، قلب انرژی، تجارت و اقتصاد کشور است. خلیج‌فارس، بنادر جنوبی، پالایشگاه‌ها، میدان‌های نفت و گاز و مسیرهای صادراتی، بخش بزرگی از توان اقتصادی و راهبردی ایران را تشکیل می‌دهند.

ادامه در همین صفحه

یادداشت

چهره جنگی اقتصاد ایران

حیدر مستخدمین حسینی✉ تهدید جنگ امروز دیگر یک فرضیه یا سناریوی دور از ذهن نیست بلکه به‌عمیق‌ترین لایه‌های هستی حکمرانی ایران نفوذ کرده و اقتصاد، سیاست و جامعه را هم‌زمان به‌چالش کشیده است. در چنین شرایطی بی‌سابقه‌ای هرگونه سیاستگذاری اقتصادی که فاقد چارچوبی متناسب با وضعیت جنگی باشد، نفع‌ت‌ها ناکارآمد بلکه عاملی برای تسریع فروپاشی و افزایش آسیب‌پذیری ملی خواهد بود. این نوشتار با نگاهی بی‌پرده و واقع‌بینانه، رویکردهای اتخاذشده در زیربخش‌های اقتصادی ایران را در خلال ماه‌های اخیر به‌وت نقد می‌گذارد و میزان تطابق آنها با مقتضیات کنونی را ارزیابی می‌کند. براساس این واکاوی هشت‌گسل اساسی در ساختار حکمرانی اقتصادی کشور خوندنمایی می‌کنند: از نبود چارچوب مفهومی برای اقتصاد جنگ و نگاه تقلیل‌گرایانه به‌سیستم حکمرانی تا ساختار معیوب دولت که خود مشوق تورم و ...

صفحه ۳



آن را ندارد. کشور اکنون به یک عقلانیت ملی نیاز دارد؛ عقلانیتی که از منافع جناح‌ها، نهادهای و گروه‌های اقتصادی عبور کند. تصمیم درباره آینده ایران نباید در حلقه‌ای محدود و بدون حضور متخصصان مستقل گرفته شود. دیپلمات‌ها، نظامیان، اقتصاددانان، متخصصان انرژی، جامعه‌شناسان و نمایندگان بخش خصوصی باید بدون ترس و ملاحظه واقعیت‌ها را بیان کنند.

در کنار آن باید به نقش کسانی نیز توجه کرد که از آشفتگی، تحریم و تداوم بحران سود می‌برند. اقتصاد تحریم برای گروه‌هایی ثروت و نفوذ ایجاد کرده است. طبیعی است کسانی که از دوزخن تحریم، تجارت غیرشفاف و شرایط فوق‌العاده منفعت می‌برند، از عادی شدن روابط و شفاف شدن اقتصاد استقبال نکنند. منافع این گروه‌ها نباید سرنوشت ایران را تعیین کند. کسانی که هزینه جنگ را نمی‌پردازند، نباید برای مردمی تصمیم بگیرند که خانه، فعل، پس‌انداز و آینده فرزندانشان در معرض نابودی قرار گرفته است. باید روشن شود چه کسانی از ادامه این وضعیت سود می‌برند و چه کسانی هزینه آن را پرداخت می‌کنند.

وظیفه اهل فکر، رسانه و سیاست آن است که پیش از وقوع فاجعه هشدار دهند. نباید اجازه دهیم سال‌ها بعد در تاریخ نوشته شود که بسیاری خطر را می‌دیدند اما به دلیل ترس، مصلحت‌اندیشی یا حفظ منافع خود سکوت کردند. ما باید اکنون سخن بگوییم. پیش از آنکه جنوب ایران ویران شود، پیش از آنکه تأسیسات حیاتی کشور از میان برود، پیش از آنکه پیوند مناطق مختلف با مرکز ضعیف شود و پیش از آنکه تمامیت ایران فقط به خطوطی روی یک نقشه محدود شود.

دریغ است ایران که ویران شود کنام پلنگان و شیران شود

✉ مدیرمسئول

پرداخت‌نشدن مستم‌ری قانونی خود به‌مراجه مرتبط شکایت کنند. می‌توان با نوشتن گایه‌های پرشمار و نیز نوشته‌های اعتراضی به مدیران یادآور شد رفتار خلاف قانون آنها بخشیدنی نیست. دولت باید از هر جایی که شده منابع لازم را به دست آورد. پنجم- این توصیه شما با واقعیت‌هایی که خود پرشمردید تناقض ندارد؛ چرا دارد اما تناقض اصلی همان رفتار سازمان تأمین اجتماعی است.

بررسی اکنون و آینده جنگ و مذاکره در گفت‌وگوی «جهان‌صنعت» با فریدون مجلسی

کاش رویکرد نجات ایران، جایگزین مظلوم‌نمایی تندروها شود



کرملین در تنگنای جنگ

طی چند هفته گذشته موجی از گزارش‌ها منتشر شده که همگی بر این نکته تأکید دارند که حمایت از ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در میان نخبگان سیاسی و افکار عمومی این کشور رو به کاهش است. این گزارش‌ها با انتشار اخباری درباره نگرانی گسترده در روسیه از افزایش حملات موفق اوکراین به‌عمق خاک این کشور از جمله در مسکو منتشر شده‌اند.

✉

بدترین مرحله بحران هرمز در راه است

دوتحلیلگر مرکز جهانی انرژی شورای آتلانتیک هشدار دادند که با طولانی‌شدن جنگ آمریکا و ایران و فروپاشی آتش‌سرس کوتاهمدت میان دو کشور بازارهای نفت و مصرف‌کنندگان انرژی باید خود را برای سناریوهایی دشوارتر آماده کنند زیرا بازگشت سریع شرایط به‌وضعیت پیش‌از جنگ روزبه‌روز بعیدتر می‌شود.

✉

نابستان تاریک

«تابستان اسمال خاموشی نخواهیم داشت.» این وعده‌ای بود که وزیر نیرو در اردیبهشت‌ماه اسمال مطرح کرد اما تنها دوماه بعد جدول‌های خاموشی بار دیگر به‌زندگی روزمره مردم بازگشت. ناترازی و ازتای است که این روزها بیش از هر زمان دیگری به‌گوش می‌رسد و برای برخی نامی تزئین شده برای ناکارآمدی سیاستگذاران در مدیریت بحران انرژی است.

✉

پرسش روز

باز نشستگان کار گری چه کنند؟

یکم- دنبال کردن خبرها و گزارش‌ها درباره پرداخت اضافه مستم‌ری قانونی کارگران بازنشسته دو نکته را روشن می‌کند: نخست روند کاهنده اعتراض‌ها و تجمع بازنشستگان مستم‌ری‌بگیر و دوم مقاومت عجیب دولت و سازمان تأمین اجتماعی برای پرداخت اضافه مستم‌ری دو ماه فروردین و اردیبهشت.

ادامه در همین صفحه

نقدروز

اقتصاد یک کل واحد است

محمد عرب‌محمدی - درست است که در اقتصاد هر کشوری سه بازگیر اصلی شامل خانواده‌ها، بنگاه‌ها و دولت‌ها نقش آفرینی می‌کنند اما این جلی‌ها تا جایی پیش نمی‌روند که نقش واحد پدیدای به اسم اقتصاد را دور از هم نگذارند. تجربه نشان داده و خرد و منطقی فرمان می‌دهند، بپذیریم هرگاه یکی از این سه بازگیر به‌ناچار از زمین بازی خارج شوند یا با توانایی‌های پایین‌تر از اندازه‌ای که دارند بازی کنند و بازگیر دیگر نیز دیر یا زود از پای درمی‌آید. تجربه دو جنگ در یک سال تازه‌سپری‌شده راه را برای سقوط بنگاه‌های اقتصادی ایران هموار کرده است. شمار قابل‌تئانی از بنگاه‌های ایرانی در بخش دولتی یا در بخش خصوصی به دلایل گوناگون زیر ظرفیت فعالیت می‌کنند و این اتفاق توانایی آنها را برای بدست آوردن درآمد بیشتر از سال پیش - با محاسبه و لحاظ کردن نرخ تورم - کاهش داده است. کاهش درآمد بنگاه‌ها که تأمین‌کننده اصلی مالیات برای دولت به‌حساب می‌آیند توان مالیات‌ستانی دولت را کاهش داده است. براساس قانون بودجه سال ۱۴۰۵، دولت مکلف به وصول ۲ هزار و ۲۸۰ هزارمیلیارد تومان درآمد مالیاتی در طول سال شده است. با فرض توزیع یکنواخت درآمدهای مالیاتی در طول سال، سهم دوماه نخست سال از این رقم حدود ۳۷۰ هزارمیلیارد تومان برآورد می‌شود. این در حالی است که آمارهای منتشرشده از سوی سازمان امور مالیاتی نشان می‌دهد که در ماهه ابتدایی سال جاری تنها ۱۵۲ هزارمیلیارد تومان درآمد مالیاتی وصول شده است. به این ترتیب میزان تحقق درآمدهای مالیاتی در این دوره حدود یک‌سوم رقم مورد انتظار بوده و شکافی در حدود ۱۸ هزارمیلیارد تومان میان عملکرد وصول مالیات و ارقام پیش‌بینی شده در قانون بودجه مشاهده می‌شود. حالا در وضعیت جمهوری اسلامی با آمریکا روند طولانی را در پیش دارد و احتمال وقوع جنگ نسبت به یک ماه پیش افزایش قابل اعتنایی را به دست آورده است این احتمال که درآمدهای بنگاه‌ها بازم کاهش یابد و بازم مالیات‌ستانی دولت زیر نیغ قرار گیرد بیشتر می‌شود. در این صورت دولت برای چرخاندن چرخ اقتصاد کشور ناگزیر می‌شود بودجه خود را به جیب بانک مرکزی ستجاق کرده و پول تازه چاپ کند که به‌کسری بیشتر بودجه منجر شده و نرخ تورم بازم چشم خواهد کرد در این وضعیت این شهروندان ایرانی هستند که باید زیر آرایه سهمگین تورم فراینده له شوند و از سرفه کوچک‌شده خود بازم‌اقلامی از حنق کنند. در این وضعیت فروش بنگاه‌ها بازم به‌دلیل کاهش قدرت خرید جامعه، کاهش را تجربه کرده و درآمدهای بنگاه‌ها را کم می‌کند. از سوی دیگر در چنین روزهای سختی رکود در اقتصاد ملی بیشتر شده و ایرانیان فقیرتر می‌شوند. گردانندگان کشور هوشیار باشند و ببانند ادامه این دور خبیث با کاهش تاب‌آوری شهروندان می‌تواند همه اقتصاد کشور را ویران کند. حالا باید پرسید کدام خانواده ایرانی می‌تواند تا بد در این گرداب زندگی کند و برای بیرون کشیدن خانواده‌از گرداب برخلاف عرف عمل نکند. هوشیار باشیم و روزنه‌ها را بیش از این بیندیم.



ادامه دیدگاه

امنیت بانک‌ها از اپلیکیشن شروع نمی‌شود، از زیرساخت شروع می‌شود!

موضوع دیگر، تمرکز بیش از اندازه برخی سامانه‌های بانکی بر تعداد محدودی نرم‌افزار و تامین‌کننده است. وقتی بانک‌های مختلف از کوربینتینگ مشابه استفاده می‌کنند، یک آسیب‌پذیری می‌تواند هم‌زمان چندین بانک را درگیر کند. در همین‌جا یک پرسش مهم پیش می‌آید: ریاست محترم بانک مرکزی، آیا با در نظر گرفتن سامانه‌های کوربینتینگ مضاعف برای بانک‌ها، مشکلات و اختلال‌های پیش‌آمده در خدمات بانکی از نظر سخت‌افزار و نرم‌افزار برطرف خواهد شد؟ پاسخ روشن این است که نه به‌تجهایی. داشتن سامانه پشتیبان یا کوربینتینگ دوم می‌تواند ریسک تمرکز را کمتر کند اما اگر زیرساخت پردازش، ذخیره‌سازی، شبکه، امنیت، پشتیبان‌گیری و بازیابی بحران اصلاح نشود، همان مشکل فقط در لایه‌ای دیگر تکرار می‌شود.

در کنار این موضوع، وابستگی به فناوری‌های خارجی نیز چالش دیگری است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. تحریم‌ها فقط خرید تجهیزات را دشوار نکرده‌اند بلکه دسترسی به به‌روزرسانی‌های امنیتی، خدمات پشتیبانی، قطعات یدکی و حتی ارزیابی مستقل برخی محصولات را نیز با محدودیت روبرو کرده‌اند. این شرایط به معنای ناامن بودن فناوری خارجی نیست اما راه‌ر زیرساخت‌های حیاتی بدون دسترسی کامل به چرخه پشتیبانی، ریسک بهره‌برداری را افزایش می‌دهد.

البته امنیت سایبری فقط به خرید تجهیزات امنیتی با نصب دیوار آتش محدود نمی‌شود. امنیت از معماری صحیح آغاز می‌شود. بانکی که دو مرکز داده هم‌زمان فعال داشته باشد، مسیرهای ارتباطی متفاوتی ایجاد کند، نقاط خرابی را حذف کند، برنامه‌های بازیابی بحران را مرتب آزمایش کند و تجهیزات پردازشی خود را به‌روز نگه دارد حتی اگر هدف حمله قرار بگیرد، احتمال از کار افتادن کامل خدماتش بسیار کمتر خواهد بود. در بسیاری از کشورها مراکز داده حیاتی به‌صورت Active-Active طراحی می‌شوند یعنی دو مرکز داده به شکل هم‌زمان فعال هستند و اگر یکی از آنها از مدار خارج شود، مرکز دیگر بدون وقفه بار خدمات را بر عهده می‌گیرد. در چنین معماری‌ای، دسترسی معمولاً حتی متوجه وقوع حادثه هم نمی‌شود. در مقابل، معماری‌های قدیمی‌تر که مرکز دو فقط در زمان بحران فعال می‌شود، هم زمان بازیابی بیشتری دارند و هم احتمال از دست رفتن بخشی از اطلاعات در آنها بیشتر است.

بانکداری آینده نیز بیش از هر زمان دیگری به قدرت زیرساخت وابسته خواهد بود. هوش مصنوعی، کشف تقلب، تحلیل لحظه‌ای تراکنش‌ها، شناسایی رفتارهای مشکوک و ارائه خدمات هوشمند، همگی نیازمند مراکز داده قدرتمند پردازش برظرفیت و شبکه‌ای پایدار هستند. بانکی که امروز زیرساخت خود را تقویت نکند، فردا برای استفاده از فناوری‌های نوین ناچار خواهد بود به ظرفیت‌های خارج از اختیار خود تکیه کند؛ وابستگی‌ای که هم هزینه اقتصادی دارد و هم پیامدهای امنیتی.

اتفاقات اخیر باید یک هشدار جدی تلقی شوند، نه صرفاً یک خبر چندروزه. تمرکز صرف بر یافتن مقصر، بدون اصلاح ریشه‌های فنی، مشکلی را حل نخواهد کرد. اگر زیرساخت همان باشد که امروز هست، بحران‌های مشابه دیر یا زود دوباره تکرار خواهند شد؛ شاید با شکل و ابعادی متفاوت.

امروز بیش از هر زمان دیگری باید پذیرفت که امنیت بانکداری دیجیتال از ویت‌ترین خدمات آغاز نمی‌شود بلکه از لایه‌هایی شروع می‌شود که کمتر دیده می‌شوند؛ همان زیرساخت‌هایی که اگر درست طراحی شوند، مردم هرگز متوجه وجودشان نخواهند شد اما اگر نادیده گرفته شوند، میلیون‌ها نفر هم‌زمان اثر آن را احساس خواهند کرد. سرمایه‌گذاری در زیرساخت هزینه نیست بلکه بیمه پایداری اقتصاد دیجیتال کشور است. همان‌گونه که هیچ شهری بدون جاده، نیروگاه و شبکه آب پایدار توسعه پیدا نمی‌کند، بانکداری دیجیتال نیز بدون زیرساختی مقاوم، امن و تاب‌آور دوام نخواهد آورد. آینده این صنعت را نه تعداد لایک‌کشن‌ها بلکه کیفیت زیرساخت‌های تعیین می‌کند که در سکوت، بار اعتماد میلیون‌ها ایرانی را بر دوش می‌کشند.

در پایان یک پرسش ساده اما مهم باقی می‌ماند: آیا تا به حال به این فکر کرده‌ایم که هزینه خسارت روزانه از کار افتادن هم‌زمان چهار بانک بزرگ کشور، چقدر بیشتر از هزینه‌ای بوده که برای توسعه زیرساخت لازم بود؟ و خسارت وارد شده به مشتریان این چهار بانک در بازه‌ای ۳۵ روزه چقدر بوده که بسیاری از آنان را واداشت در اولین فرصت حساب‌های خود را به بانک‌های دیگر منتقل کنند؟

✽ کارشناس فناوری اطلاعات و ارتباطات

دیپلماسی

پژشکیان در نشست تخصصی بررسی ابعاد حقوقی جنگ:

قدرت بازدارندگی حقوقی ایران باید در مجامع جهانی تقویت شود

ایرنا - نشست تخصصی بررسی ابعاد حقوقی و قضایی جنگ ۱۲ روزه و رمضان صبح روز گذشته به ریاست مسعود پژشکیان و با حضور آیت‌الله محقق داماد، وزیر دادگستری، جمعی از معاونان قوه‌مجریه و صاحب‌نظران برجسته عرصه حقوقی و قضایی برگزار شد. پژشکیان در این نشست با تأکید بر وجاهت علمی و راهبردی این اقدام تصریح کرد: «پرداختن نظام‌مند به ابعاد حقوقی و قضایی جنگ‌های اخیر نه‌تنها یک ضرورت انکارناپذیر برای ایجاد بیداری و هوشیاری جامعه است بلکه مبنای شکل‌گیری قدرت نفوذ و بازدارندگی حقوقی ایران در مجامع جهانی را فراهم می‌آورد. به‌کارگیری دانش روز و نظرات نتجگیان این عرصه، باید در بستری از اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف به عموم مردم قرار گیرد.» او با آسیب‌شناسی عملکرد ایران گذشته در این حوزه گفت: متأسفانه تاکنون نتوانسته‌ایم از تمام ظرفیت علمی حقوقدانان و کارشناسان بهره بگیریم و گاه با اظهارنظرهای غیرکارشناسی، نه‌تنها بهره‌مندی عمومی کاهش یافته بلکه توقع‌های حقوقی نادراستی نیز در جامعه شکل گرفته است. بنابراین امروز باید مراقب باشیم اقدامات ما از انسجام علمی و قابلیت استناد برخوردار باشد.» رییس‌جمهور با قدردانی از تلاش‌های انجام‌شده در تهیه «فلس جامع اقدام‌پژوهی حقوقی - قضایی» به تشریح اولویت‌های مدیریتی این پروژه پرداخت و افزود: «تختست تدوام مسیر بر مبنای شفافیت و واقع‌گویی است، دوم مستندسازی یافته‌ها به‌گونه‌ای که قابلیت طرح در محاکم داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را داشته باشد و سوم استفاده از ظرفیت تمامی اندیشمندان ایرانی مقیم خارج از کشور و حقوقدانان مسلمان جهانی برای غنای هرچه بیشتر این روند است.»

اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس‌جمهور پیشین:

اتهام‌زنی به دولت و تیم مذاکره‌کننده طمع دشمنان را بیشتر می‌کند

ایلتا—اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس‌جمهور پیشین در یادداشتی نوشت که «این روزهای داغ، سرزمین زرخیز جنوب و مردم صبور و دوست‌داشتنی آن، نقطه کانونی حملات مجدد و تجاوزکارانه آمریکا به ایران عزیز شده‌اند. سواحل جنوبی، از خرمشهر تا گواتر، از بندار و جزایر زیبا و راهبردی تا شهرها و روستاهای تاریخی، گنجینه ذخایر طبیعی، نفت و گاز و قطب توسعه اقتصادی، صنعتی، تجاری و فرهنگی ایران بزرگ هستند. مردمان جنوب نیز در عین خونمرگی و سخت‌کوشی، به مقاومت و ایستادگی شهرواند و پیش از این همواره توانسته‌اند به تجاوز و اشغال قدرت‌های بزرگ در مناطق و جزایر جنوبی پایان دهند. امروز همان مردم، اگرچه در معرض تنگناها، رنج‌های سخت و حمله‌های دمدشنامه و ضدبشری به زیرساخت‌های زندگی خود قرار گرفته‌اند اما به‌عنوان عضوی موثر از پیکر ایران بزرگ، درد خود را به همه ابعادهای این پیکر منتقل کرده و همدلی و پشتیبانی همه ایرانیان را برانگیخته‌اند. من که خود افتخار فرزندی آن سامان را دارم، در سفرهای متعدد به مناطق جنوبی، از سیستان‌و بلوچستان و هرمزگان تا بوشهر و خوزستان، به‌خوبی دریافته‌ام که نبض توسعه اقتصادی، صنعتی و تجاری ایران، امروز و آینده، در آنجا می‌تپد. از این منظر باید نسبت به آنچه امروز در جنوب کشور می‌گذرد، حساس‌تر از همیشه بود.

ایران

گروه سیاسی –

ایران همواره به تعهدات خود پایبند بوده. در برجام، نه‌تنها ایران به تعهداتش در توافق هسته‌ای پایبند ماند بلکه حتی پس خروج یکجانبه دولت نخست ترامپ از برجام در روز ۱۸ اردیبهشت‌۹۷ما نیز درست تا یک‌سال بعد، تعهداتش در چارچوب توافق هسته‌ای را نقض نکرد و پس از یک‌سال مذاکره بی‌نتیجه با سایر اعضای برجام نیز درحالی اقدام به کاهش تعهدات برجامی کرد که این اقدام را در پنج کام و در فواصل زمانی دو ماهه اجرایی و روند کاهش تعهدات برجامی را نیز با استناد به حقوق خود مندرج در بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام، دنبال کرد تا نشان دهد که حتی در واکنش به خروج یکجانبه آمریکا از توافق هسته‌ای نیز کماکان با پایبندی به متن توافق برجام، دست به اقدام زده و درنتیجه به‌لحاظ حقوقی مرتکب نقض توافق نشده است.

این تحولات در زمان دولت حسن روحانی، یعنی همان دولتی شکل گرفت که زمینه‌ساز اعضای توافق برجام بود. با این همه در سال‌های بعد چه در آن مسالای که ابراهیم ریسی سکان اداره دولت را در دست داشت و چه پس از آنکه مسعود پژشکیان به ریاست‌جمهوری رسید، ایران تا آنجا که می‌شد به مفاد برجام پایبند ماند و تلاش‌های دیپلماتیک فراوانی را برای احیای برجام در دستورکار قرار داد. هرچند آنطور که برخی منابع آگاه از روند مذاکرات گفته‌اند، در دولت ریسی، ایران آنطور که باید و شاید از فرصت‌هایی که برای احیای توافق هسته‌ای داشت، استفاده نکرد اما با روی کار آمدن پژشکیان و آغاز به کار دولتی که از جهات گوناگون با دولت روحانی همسو بود، مذاکرات هسته‌ای از سر گرفته شد؛ مذاکراتی که اگرچه به‌طور غیرمستقیم و با میانجیگری عمان انجام شد اما از این جهت که با آمریکا و نه با مجموعه‌ای قدرت‌های جهانی انجام شد، گامی دیگر بود برای اثبات اینکه ایران حتی حاضر است با آسیب‌پذیری از خروج یکجانبه آمریکا از برجام، برای احیای توافق هسته‌ای تلاش کند آن‌هم در حالی که دونالد ترامپ پس از یک وقفه چهارساله، بار دیگر به کاخ سفید بازگشته و طرف مذاکرات بود. اما درحالی‌که این مذاکرات، با حملات ناگهانی

گفت‌وگو

علی فریدونی – سال‌ اخیر برای ایران و ایرانیان سالی پر فرازوشیب بود که درپی وقوع جنگ و درگیری‌های متعدد و تشدید تنش میان تهران، واشنگتن و تل‌آویو درپی حملات آمریکا و اسرائیل به خاک ایران، کشور را در شرایطی حساس و تاریخی قرار داد؛ ابهامی که نقطه پایان آن نه‌تنها به شرایط مملکت و منطقه در آینده شکل خواهد داد بلکه به عقیده برخی ناظران و کارشناسان، آینده قدرت جهانی و روابط بین‌الملل نیز براساس آن دچار تحول خواهد شد. اکنون وضعیت پس از عقد تفاهنامه میان تهران – واشنگتن – که به نظر بسیاری از همین ناظران و کارشناسان غیرایرانی هم به سود ایران تمام شده بود– تغییر کرده و تندروهای داخلی که دست به هر کاری زدند که بار دیگر آتش جنگ شعله‌ور شود و با تمام وجود و با بنبند تارهای صوتی خود فریاد جنگ‌طلبی سرمی‌دادند، اکنون به خواسته خود رسیده و شاهد رفت و برگشت‌های پی‌درپی میان قوای نظامی طرفین هستیم اما این پافشاری تندروها بر بازگشت به میدان و شرایطی جنگی که اکنون باوجود مخالفت جامعه مدنی، فعالان اقتصادی و مستعمران و بسیاری از دیگر اقشار اجتماعی به ثمر نرشته، موجب شده که بار دیگر پرسش‌هایی درباره نقش و اختیارات دولت در مدیریت بحران و پیشبرد دیپلماسی مطرح شود؛ دولتی که تاکنون با انتخاب مسیر دیپلماسی و پیگیری مذاکرات تا اضمای یادداشت تفاهم اسلام‌آباد، تلاش می‌کره راه عقلایت را پیش گیرد. دولتی که به هر حال هم با آگاهی نسبت‌به واقعیت حاکم بر میدان نبرد و اشراف بر داده‌ها و آمار و ارقام اقتصادی مملکت و اوضاع و ائناسی معیشتی ملت می‌خواست جلوی ضرر را بگیرد که از قدیم گفته‌اند «جلوی ضرر را از هر جا بگیري، منفعت است!» برای بررسی شرایط کشور و وضعیت حاکم بر روابط میان طرفین درگیری با فریدون مجلسی، دیپلمات پیشین و تحلیلگر مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

اواخر خردادماه بود که بالاخره یادداشت تفاهم اسلام‌آباد به امضای رییسان جمهور ایران و آمریکا رسید اما با گذشت یک ماه، بار دیگر شاهد شعله‌ور شدن آتش جنگ هستیم. ارزیابی شما از این تفاهنامه چیست و شرایط کنونی را چگونه می‌بینید؟
با توجه به تحرکاتی که طی ۷۱ سال گذشته به منطقه انجام شده بود حتی انتظار واکنش‌های خشن‌تری نیز وجود داشت. پذیرش این تفاهنامه نشانه‌ای از نوعی عقلایت بود چراکه می‌توانست با هزینه‌ای ناچیز، دروازه‌هایی را برای کاهش فشارها، رفع تحریم‌ها و ایجاد فرصت‌های جدید باز کند اما متأسفانه شاهد بودیم بار دیگر اقداماتی از داخل، این تفاهنامه را هدف قرار داد. از جمله پافشاری بر مساله تنگه هرمز؛ آبراهی بین‌المللی که اگرچه دو کشور ایران و عمان در بخش‌هایی از آن دارای حقوق و حاکمیت خاص خود هستند اما طرح موضوعاتی مانند محدود کردن عبور و مرور یا گرفتن حق ترانزیت، به ایجاد سوءتفاهم و حتی بهانه‌ای برای ازسرگیری درگیری و جنگ تبدیل شد. واقعیت این است که ما در این فاصله، متحمل میلیاردها دلار خسارت شدیم و سوال اساسی این است که این خسارت براساس کدام حق ترانزیت و چگونه باید جبران نشود؟؟ چنین اقدامی قابل‌قبول نبود زیرا با حق ترانزیت حتی اندکی از این خسارات و زیان ناشی از آن جبران نمی‌شود. در هر صورت روندی که طی زمان باعث شد بخشی از مسیرهای تجاری بار شود، امیدهای شکل بگیرد و صنایع بتوانند به آینده نگاه کنند و برای فعالیت‌های خود تصمیم بگیرند. سفارش‌هایی انجام شد و برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفت اما متأسفانه حمله موشکی به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌های خارجی در مسیر اختصاصی عمان در گتگه هرمز، یک تجاوز آشکار بود که موجب بازگشت شرایط جنگی شد. تاکنون صدها ایرانی جان خود را از دست داده‌اند از جمله

دریافت ایده‌ها، اخبار و رویدادهای اقتصادی
t.me/jahansanatpress

سال بیست وسوم ■ یکشنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۵ ■ شماره ۶۱۲۴

جهان صنعت

«جهان صنعت» دلایل ناکامی نسبی مذاکرات را بررسی کرد

پزشکیان در محاصره تندروها



این‌بار اما این ایران بود که با حمله به شناورهای عبوری بی‌نتیجه ماند، ایران حاضر شد بار دیگر با آمریکایی‌ها وارد گفت‌وگو شود تا دوباره حسن‌نیت خود را اثبات کند و از این طریق زمینه احیای توافق هسته‌ای را فراهم آورد. با این همه پاسخ واشگتن به این تلاش‌های تهران، حملات گسترده‌ای بود که تا حدود ۴۰ روز و با شدتی به‌مراتب بیش از جنگ ۱۲ روزه ادامه یافت. جنگی که البته همچون جنگ ۱۲ روزه، نه خواسته‌های واشگتن را محقق کرد و نه البته چنانکه انتظار می‌رفت، دست‌آورد روشنی برای تهران داشت. به همین دلیل هم طرفین، این بار با میانجیگری طرف پاکستانی و تلاش‌های حاکمان قطر، یادداشت تفاهمی را در ۱۴ بند امضا کردند تا ظرف یک مهلت ۶۰ روزه، در مذاکراتی فشرده، به یک توافق کامل و جامع دست یابند و یک بار برای همیشه، سایه جنگ و حملات نظامی را از آسمان ایران دور کنند.

چرا تفاهنامه اسلام‌آباد به نفع ایران بود؟

اثبات اینکه یادداشت تفاهم اسلام‌آباد بیش از آنکه ضامن منافع واشگتن و تل‌آویو باشد، به سود

تهران بود، کار چندان دشواری نیست و تنها کافی است به متن این یادداشت تفاهم ۱۴ بندی رجوع کنیم؛ تفاهنامه‌ای که در بند یک آن، امریکایی‌ها به خواست ایران مبنی بر «پایان فوری و دائمی جنگ در تمام جبهه‌ها ازجمله لبنان» تن داده بودند و در بند دوم آن نیز متعهد شده بودند که از «دخلات در امور داخلی» ایران خودداری کنند. همچنین درحالی که در بند سوم این یادداشت تفاهم تأکید شده بود که طرفین باید ظرف ۶۰ روز به توافق نهایی دست یابند، در بند۴ واشگتن به خواست تهران مبنی بر «لغو محاصره دریایی» نیز تن داده بود.

در بند ۵ تفاهنامه نیز در حالی ایران به بازگشایی تنگه هرمز متعهد شده بود که در بند۶ آمریکا به‌نحوی به پرداخت غرامت به ایران از طریق ایجاد یک صندوق ۳۰۰ میلیارد دلاری متعهد شده و بنابر بند هفت نیز پذیرفته

بررسی اکنون و آینده جنگ و مذاکره در گفت‌وگوی «جهان‌صنعت» با فریدون مجلسی

کاش رویکرد نجات ایران، جایگزین مظلوم‌نمایی تندروها شود



سربازان ارتش – در خوابگاه که با امید به حمایت و دفاع وارد میدان شده بودند و اکنون به شهادت رسیده‌اند– بارها هدف حملات قرار گرفتند. بندرعباس و مناطق دیگری در حوالی قشم، کیش و مناطق دیگری، عمدتاً در استان‌های جنوبی کشور نیز هدف حمله قرار گرفتند. این حملات را هشداردهنده می‌دانم. هنوز ما با تلفن همراه با شما صحبت می‌کنیم یعنی برق وجود دارد و ارتباطات برقرار است اما با روندی که وجود دارد و برعکس، شاهد هستیم که تاکنون هیچ‌یک از این مسائل حاکمان ادامه دارد و در پیش‌گرفته. این منطقه به ثبات برسد و نیروهای لبنان نیز در حملات قطعات پهباد، موشک و تجهیزات مشابه که از طریق سوریه قصد انتقال محموله‌هایی را به لبنان و حزب‌الله داشتند، مورد حمله قرار گرفتند. این نشان می‌دهد که این روند همچنان ادامه دارد. در غزه و درگیری میان اسرائیل و نیروهای حماس نیز شاهدیم که اکنون جنگ پس از سه‌سال کماکان ادامه دارد و همین موضوع اجازه نداده که این منطقه به ثبات برسد و نیروهای لبنان نیز آرامش باشند و از طرفی همچنان امکان دارد از آنجا موشکی اجازه رفتن از این منطقه به لبنان برسد و نیروهای اقلیتی که آرمش باشند و از طرفی همچنان امکان دارد از آنجا موشکی از ادامه درگیری‌ها وجود دارد و حزب‌الله نیز مقاومت شدیدی نشان می‌دهد بنابراین جنگ نه‌تنها پایان نیافته بلکه همچنان ادامه دارد اکنون ما نیز ظاهراً همان مسیر را دنبال می‌کنیم. عده‌ای از اینکه ما در جایگاه مظلوم قرار گرفتیم، شهید می‌دهیم و کشورمان آسیب می‌بیند، خوشحال هستند. حال آنکه ما هم این تجربه را در افغانستان داشتیم و هم شاهد وضعیت مشابهی که غزه و درگیری میان اسرائیل و نیروهای حماس نیز شاهدیم که اکنون جنگ پس از سه‌سال کماکان ادامه دارد و همین موضوع اجازه نداده که این منطقه به ثبات برسد و نیروهای لبنان نیز آرامش باشند و از طرفی همچنان امکان دارد از آنجا موشکی از ادامه درگیری‌ها وجود دارد و حزب‌الله نیز مقاومت شدیدی نشان می‌دهد بنابراین جنگ نه‌تنها پایان نیافته بلکه همچنان ادامه دارد اکنون ما نیز ظاهراً همان مسیر را دنبال می‌کنیم. عده‌ای از اینکه ما در جایگاه مظلوم قرار گرفتیم، شهید می‌دهیم و کشورمان آسیب می‌بیند، خوشحال هستند. حال آنکه ما هم این تجربه را در افغانستان داشتیم و هم شاهد وضعیت مشابهی که

سوال این است که چرا اساسا جریان‌های تندرو چنین رویکردی را اتخاذ و اجرا کردند؟ چراکه پیش از این به‌ویژه در جریان امضا و اجرای برجام باوجود تمام کارشکنی‌ها و دل‌آپس‌ها، ایران درنهایت، به تعهدات خود پایبند ماند اما در این دوره، شرایط دیگری رقم خورد و چنانکه اشاره کردید، درپی حمله به کشتی‌های عبوری، شرایط به گونه‌ای پیش رفت که می‌توان گفت برای نخستین‌بار، ایران آغازکننده یک اقدام نظامی شد. به نظر شما چرا این‌بار اوضاع این‌چنین پیش رفت؟

۲۷ سال است که ما در منطقه اقداماتی انجام داده‌ایم؛ نیروهای زنبدیه، فاطمیه و گروه‌های مستشاری ایجاد کردیم، آن‌ها را آموزش دادیم، مسلح کردیم، تویل ساختیم و موشک فرستادیم. ما به شکل‌های مختلف در تحولات منطقه حضور پیدا کردیم. نیروهای نظامی ما در کنسولگری‌ها و مراکز مختلف هدف حمله سربازان ارتش – در خوابگاه که با امید به حمایت و دفاع وارد میدان شده بودند و اکنون به شهادت رسیده‌اند– بارها هدف حملات قرار گرفتند. بندرعباس و مناطق دیگری در حوالی قشم، کیش و مناطق دیگری، عمدتاً در استان‌های جنوبی کشور نیز هدف حمله قرار گرفتند. این حملات را هشداردهنده می‌دانم. هنوز ما با تلفن همراه با شما صحبت می‌کنیم یعنی برق وجود دارد و ارتباطات برقرار است اما با روندی که وجود دارد و برعکس، شاهد هستیم که تاکنون هیچ‌یک از این مسائل حاکمان ادامه دارد و در پیش‌گرفته. این منطقه به ثبات برسد و نیروهای لبنان نیز در حملات قطعات پهباد، موشک و تجهیزات مشابه که از طریق سوریه قصد انتقال محموله‌هایی را به لبنان و حزب‌الله داشتند، مورد حمله قرار گرفتند. این نشان می‌دهد که این روند همچنان ادامه دارد. در غزه و درگیری میان اسرائیل و نیروهای حماس نیز شاهدیم که اکنون جنگ پس از سه‌سال کماکان ادامه دارد و همین موضوع اجازه نداده که این منطقه به ثبات برسد و نیروهای لبنان نیز آرامش باشند و از طرفی همچنان امکان دارد از آنجا موشکی از ادامه درگیری‌ها وجود دارد و حزب‌الله نیز مقاومت شدیدی نشان می‌دهد بنابراین جنگ نه‌تنها پایان نیافته بلکه همچنان ادامه دارد اکنون ما نیز ظاهراً همان مسیر را دنبال می‌کنیم. عده‌ای از اینکه ما در جایگاه مظلوم قرار گرفتیم، شهید می‌دهیم و کشورمان آسیب می‌بیند، خوشحال هستند. حال آنکه ما هم این تجربه را در افغانستان داشتیم و هم شاهد وضعیت مشابهی که

سوال این است که چرا اساسا جریان‌های تندرو چنین رویکردی را اتخاذ و اجرا کردند؟ چراکه پیش از این به‌ویژه در جریان امضا و اجرای برجام باوجود تمام کارشکنی‌ها و دل‌آپس‌ها، ایران درنهایت، به تعهدات خود پایبند ماند اما در این دوره، شرایط دیگری رقم خورد و چنانکه اشاره کردید، درپی حمله به کشتی‌های عبوری، شرایط به گونه‌ای پیش رفت که می‌توان گفت برای نخستین‌بار، ایران آغازکننده یک اقدام نظامی شد. به نظر شما چرا این‌بار اوضاع این‌چنین پیش رفت؟

۲۷ سال است که ما در منطقه اقداماتی انجام داده‌ایم؛ نیروهای زنبدیه، فاطمیه و گروه‌های مستشاری ایجاد کردیم، آن‌ها را آموزش دادیم، مسلح کردیم، تویل ساختیم و موشک فرستادیم. ما به شکل‌های مختلف در تحولات منطقه حضور پیدا کردیم. نیروهای نظامی ما در کنسولگری‌ها و مراکز مختلف هدف حمله

بود که نه‌تنها به «تمام انواع تحریم‌های اولیه و ثانویه» پایان دهد بلکه تضمین کرده بود که «تمام انواع تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران ازجمله قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و شورای حکام اژانس بین‌المللی انرژی اتمی» را نیز ملغا کند آن هم درحالی که در ازای بنده ناظر بر اینکه ایران «هرگز سلاح هسته‌ای تولید نخواهد کرد» آمریکا در بند۹ متعهد شده بود که از «اعمال تحریم‌های جدید خودداری کند و مهم‌تر از آن، به‌موجب بند ۱۰، «معافیت‌هایی را برای صادرات نفت خام، محصولات پتروشیمی و مشتقات آن و تمام خدمات مرتبط ازجمله بانکداری، بیمه، حمل‌ونقل و نظایر آن صادر کند.» آمریکا همچنین به‌موجب بند۱۱ قطعنامه متعهد شده بود که «وجود و دارایی‌های توقیف‌شده با مسدودشده ایران» را آزاد کرده تا این منابع «به‌طور کامل در دسترس ایران قرار گیرد.» همچنین درحالی که در بنده‌های ۱۲ و ۱۳ سازوکار اجرایی این مذاکرات مورد بحث قرار گرفته بود، در بند۱۴ تأکید شده بود که «توافق نهایی از طریق یک قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویب شود.»

کارشکنی تندروها علیه تلاش سازنده دولت پژشکیان

باوجود آنکه تفاهنامه اسلام‌آباد آشکارا در راستای منافع ایران بود اما تندروهای داخلی نه‌تنها پیش از امضای آن، دست به هر کاری زدند تا مانع کار شوند بلکه در ادامه نیز با تخریب دستگاه دیپلماسی دولت و حتی محبدیقار قالیباف که با ابتکار هوشمندانه مسعود پژشکیان، ریاست تیم مذاکره‌کنندگان ایران را برعهده برداشته بود، مگر به‌نحوی از فشار همین تندروها کاسته شود، سطح تنش را بالا و بالاتر بردند. درنهایت نیز چنانکه اشاره شد ماجرای موشک‌پراکنی به چند شناور عبوری از مسیر اختصاصی عمان در تنگه هرمز، بار دیگر زمینه‌ساز حملات آمریکا به خاک ایران شد. اقدامی که به باور برخی ناظران، صرفاً با انگیزه‌های جناحی و برای جلوگیری از به نتیجه رسیدن تلاش‌های دولت پژشکیان در دستورکار ایران اقلیت تندرو قرار گرفت.

مایل است بر نظام زراعی کشور نظارت داشته باشد، به آن کمک کند و تامین غذای مردم را تضمین کند. وزارت صنایع حامی زیرمجموعه خود است. وزارت ارتباطات وجود دارد که می‌خواهد ارتباطات برقرار باشد و امکان فعالیت‌های ارتباطی وجود داشته باشد. وزارت نیرو سعی دارد آب و برق را تامین کند و این بخش‌ها را فعال کند.

به بیان دیگر، تفکر تکنوکراتیک باعث تقل و احساس مسوولیت می‌شود اما در مقابل، گروه‌هایی وجود دارند که تخصص لازم را ندارند، از دانش کافی برخوردار نیستند و از عقلایت فاصله گرفته‌اند.

این گروه‌ها گاهی شیفته شعارهای خود می‌شوند یا شاید منافع جانی حاصل از آن شعارها برایشان اهمیت دارد و تصور می‌کنند این منافع همچنان ادامه خواهد داشت. اکنون ما در شرایطی قرار داریم که ممکن است حتی امکانات اولیه ارتباطی را نیز از دست بدهیم. ممکن است روزی برسد که دیگر تلفن، اینترنت و ابزارهای ارتباطی وجود نداشته باشد و ما در تاریکی قرار بگیریم.

در چنین شرایطی واقعیت‌ها تغییر خواهد کرد. اگر جنگ بخواهد در یک خط مشخص در جنوب ایران ادامه پیدا کند، نیروها ناچار خواهند شد از شهرها به خطوط جبهه منتقل شوند. در آن صورت، شهرها که نیروهایی که طی چهار یا پنج ماه گذشته امنیت را حفظ کرده‌اند، خالی خواهد شد و مشخص نیست چه اتفاقاتی در شهرها رخ خواهد داد.

به همین دلیل فکر می‌کنم در میان نیروها و مراکز تصمیم‌گیری و فرماندهی، افرادی وجود دارند که می‌توانند با اقداماتی مانند بازنشسته کردن، کنار گذاشتن یا تغییر برخی گروه‌ها، اداره کشور را بر مبنای عقلایت دنبال کنند و ملت را از قربانی شدن، نابودی دارایی‌ها و از بین رفتن امکان بازسازی آینده نجات دهند.

در نهایت پیش‌بینی شما از آینده چیست و چه توصیه‌هایی برای آینده کشور دارید؟

معمولاً زمانی که کشوری در بن‌بست قرار می‌گیرد، شرایط دشواری پیش‌روی آن قرار می‌گیرد. من متقدم ایران اکنون در چندین حوزه با بن‌بست مواجه شده است از جمله بن‌بست در روابط خارجی، بن‌بست در رابطه با مردم، بن‌بست در تامین نیازها و احتیاجات کشور در بلندمدت و همچنین بن‌بست در اداره جنگی که در آن شمار عظیمی موشک مصرف می‌شود. ادامه چنین شرایطی به معنای کاستن از توانمندی‌هایی است که می‌توانست در اختیار ملت قرار گیرد و در چنین بن‌بستی، معمولاً تنها راه نجات، ظهور نوعی عقلایت است که بتواند از دل بحران بیرون بیاید و مسیر جدیدی ایجاد کند.

در تاریخ نیز نمونه‌هایی از این وضعیت وجود داشته است. در دوران ترور، تخریب و انقلاب فرانسه، سرانجام ناپلئون ظهور کرد، نظم و قانونمندی را برقرار کرد و زمینه‌هایی برای شکل‌گیری ساختارهای بعدی حکومتی فراهم شد. بنابراین امیدوارم در میان کسانی که اکنون در حلقه حاکمیت حضور دارند، افرادی باشند که شرایط را درک کنند زیرا از خارج، راه‌ها تقریباً کاملاً مسدود است و نهاد مدنی یا ساختار دیگری که بتوان به آن پناه برد، وجود ندارد.

مجلس ملی به معنای واقعی که بتواند چنین نقشی ایفا کند، وجود ندارد. بنابراین باید در درون همین ساختار، کسانی پیدا شوند که منافع، هستی، آینده خود و فرزندان‌شان را همانند سایر مردم ایران در معرض خطر ببینند و برای نجات از این وضعیت، تصمیم درست را بگیرند. امیدوارم این نگاه به نفع نجات کشور و مردم مورد توجه قرار گیرد و جامعه نیز بتواند از پیامدهای این تصمیم‌ها بهره‌مند شود.

چهره جنگی اقتصاد ایران



«جهان صنعت»

■ ترکیه؛ هنر واسطه‌گری و خلاقیت در تامین مالی

ترکیه در شرایط تورم‌های سرکش نشان داد که می‌توان با ابزارهای غیرمتعارف اقتصاد را پویا نگه داشت. انتشار اوراق مصون از تورم (TIPS) برای تامین مالی بودجه، جذب سرمایه‌های خارجی و مهاجران از طریق مشوق‌های ملکی و شرکی و به‌کارگیری موقعیت ژئوپلیتیک خود برای واسطه‌گری در تجارت انرژی و کالاهای اساسی مانند فولاد مس و نفت از جمله راهبردهای موفق این کشور بود. درس ترکیه برای ایران فراخوانی برای خروج از انزوای اقتصادی و ایجاد گرهمای تجاری جدید در منطقه است؛ مسیری که می‌تواند جریان‌های مالی جایگزین را جایگزین منابع مسدودشده کند.

■ اوکراین؛ تثبیت ارز و مدیریت اضطراری نقدینگی

اوکراین در مواجهه با هجوم نظامی مسیری محافظه‌کارانه اما موثر درپیش گرفت: ابتدا ارز را تثبیت و سپس به‌سمت شناور مدیریت‌شده حرکت کرد. همزمان با اعمال محدودیت‌های شدید بر خروج سرمایه و برداشت‌های ارزی نرخ پخر را به ۲۵درصد رساند تا از فشارهای تورمی و فرار سرمایه جلوگیری کند. این تجربه بهره‌روشی نشان می‌دهد که در زمان جنگ سیاست‌های پولی کلاسیک که بر هدف‌گذاری تورم متمرکزند کارایی خود را از دست می‌دهند. آنچه اهمیت دارد حفظ تقاضای کل، مهار رشد نقدینگی و اجرای کنترل‌های مقداری (سهام‌بندی) برای تخصیص بهینه منابع است.

■ ایران در دفاع مقدس؛ باز خوانی یک‌الگوی بومی

زیربنک‌ترین و البته گران‌بهرترین تجربه برای امروز خود دوران هشت‌ساله دفاع مقدس است. در آن سال‌ها باوجود کاهش چشمگیر درآمدهای نفتی دولت با تکیه بر سیاست‌های یارانه‌ای هدفمند و جبربندی ارز براساس اولویت‌های حیاتی توانست جریان کالاهای اساسی را برای مردم حفظ کند.

حمایت از تولید داخلی نه‌تنها وابستگی‌ها را کاهش داد بلکه در برخی حوزه‌ها مانند لبنیات ایران را از واردکننده به‌صادرکننده تبدیل کرد و خودکفایی در کشاورزی آغاز شد. امروز نیز این الگو یادآور این حقیقت است که در شرایط جنگی ابزارهای نظیر یارانه و کنترل قیمت‌ها ازطریق نهادهای نظارتی (تغزیرات) کار به‌نکاتخاص سیاسی بلکه ضرورتی انکارناپذیر برای تضمین معیشت و بقای اجتماعی توده‌های مردم به‌شمار می‌روند.

آنچه از مرور این چهارتجربه برمی‌آید تاکید بر ساهل مشترک است: استقلال عملیاتی بانک مرکزی برای واکنش سریع به‌شوک‌ها، ابزارهای خلاقانه تامین مالی که از تورم مزمن جلوگیری کنند و حمایت مستقیم از معیشت مردم از طریق یارانه و کنترل‌های موقت. ایران امروز می‌تواند با تلفیق هوشمندانه این درس‌ها و بومی‌سازی آنها در چارچوب منحصربه‌فرد خود نه‌تنها از فروپاشی اقتصادی بگریزد بلکه زمینه‌ساز تاب‌آوری و بازسازی پساچنگ نیز باشد.

■ اقتصاددانان

نیز به‌جای تولید صرف سوداگری و نوسان‌گیری در بازارها

می‌شود که خود عامل بی‌ثباتی است.

■ آینده‌های عبرت: درس‌آموخته‌های ۴ الگوی جهانی برای اقتصاد جنگ ایران

جنگ‌ها هرچند در ماهیت و مختصات خود بی‌همتا هستند اما قواعد پنهان و آشکار بقای اقتصادی در دل آنها اشتراکات شگفت‌آوری دارد. هیچ‌نسخه‌ی آماده‌ی در نمی‌توان از یک‌جنگ به‌جنگ دیگر منتقل کرد اما تجربه‌ی زیسته‌ی کشورهای درگیر چراغ‌هایی روشن

برای مسیر پیش‌روی سیاست‌گذاران ایرانی است. در اینجا چهار الگوی متمایز هریک با درس‌هایی راهگشا و آکاوی می‌شوند.

■ روسیه؛ آزمون استقلال بانک مرکزی در آتش تحریم

وقتی روسیه در جنگ اوکراین با موجی از تحریم‌ها و شوک‌های بی‌سابقه روبرو شد بانک مرکزی این کشور با افزایش شدید نرخ بهره تا مرز ۲۰ درصد الزام صادرکنندگان به‌بازگرداندن ۸۰ درصد ارزهای صادراتی و تبدیل آن به‌روبل و تضمین سپرده‌های بانکی از وقوع یک فروپاشی مالی جلوگیری کرد. همزمان سیاست‌های محرک مالی ازطریق تقاضای دولتی چرخ‌های تولید داخلی را به‌حرکت واداشت. پیام این‌تجربه برای ایران روشن است: حتی با جهش چهاربرابری هزینه‌های نظامی اگر بانک مرکزی استقلال عمل داشته باشد و کنترل‌های سرمایه‌ای قاطع اعمال شود می‌توان از خروج سرمایه و بی‌ثباتی پولی جلوگیری کرد.

ارزش پول ملی(که نوعی مالیات پنهان است) به‌اهداف بودجه‌ای خود مانند بهبود شاخص وصول مالیات، اخذ عوارض و بیمه‌دست می‌یابد. این رویکرد باعث می‌شود مدیران دولتی کارنامه‌های مثبتی از خود ارائه دهند درحالی‌که قدرت خرید خانوارها به‌ویژه قشر جوان به‌شدت کاهش یافته و تامین حداقل‌های رفاهی محال شده است. این امر نسل جوان را به‌نسلی متغفل و مایوس تبدیل کرده که پتانسیل شورش علیه نظم موجود را در خود پرورش می‌دهد.

■ ۲-۴- مسوولیت‌گریزی نهادهای مالی و بانکی

نظام بانکی و مالی در زمان جنگ به‌جای ایفای نقش حمایتی بیک عامل تشدیدکننده بحران تبدیل شده است - **فشار بر کارگزاری‌های بورسی:** پس از تعطیلی سهم‌ها بازار سهام به‌دلیل شرایط جنگی بانک‌ها بدون درنظرگرفتن شرایط وام‌دهی اصل و جریمه‌های دیرکرد اعتبارات را از کارگزاری‌ها مطالبه کردند. کارگزاری‌ها نیز همین فشار را به‌مشتریان خرد منتقل کردند. این زنجیره مسوولیت‌گریزی انسجام بازار سرمایه را تهدید می‌کند.

- **رفتار غیرهمدلانه با بدهکاران:** باوجوداختلال شدید در زیرساخت‌های چهاربانک بزرگ در خرداد۱۴۰۵ بانک‌ها به‌جای بخشش جریمه‌ها یا اعطای فرصت بیشتر برای پرداخت مطالبات سررسیدشده بعضاً مبالغ را از حساب ضامین کسر کردند. این رفتار نشان‌دهنده عدم‌انصاف‌پذیری و درک نکردن شرایط جنگی توسط شبکه بانکی است. - **انحصار اعتباری و رانت:** دسترسی به‌اعتبارات بانکی در انحصار سربع معدودی قرار دارد و عموم جامعه از آن محرومند. بخش عمده‌ای از این وام‌های انحصاری

ایران یک ضرورت اساسی و تعیین‌کننده است چراکه اگر مجموعه کارکردهای اقتصادی متناسب با شرایط جنگ و پساچنگ بازسازی نشود تمامی ارکان کشور در معرض پاشیدگی و گسست‌ش قرار خواهد گرفت و چپس‌ا اهدافی که دشمنان کشور نتوانستند به‌واسطه هجوم نظامی محقق کنند از منشا ناسازگاری‌ها و انحرفات عملکردی در داخل کشور تحقق یابدبر همین مبنا این نوشتار به‌کالبدشکافی ابعاد مختلف حکمرانی در زمان جنگ نقد بی‌برده سیاست‌های اقتصادی اتخاذشده در ماه‌های اخیر بررسی تطبیقی تجربیات جهانی و تاریخی و ارائه یک نقشه‌راه عملیاتی می‌پردازد و تلاش می‌کند چهره اقتصاد جنگ و پساچنگ ایران را بازطراحی کند.

■ مفهوم‌شناسی حکمرانی و جنگ

برای درک درست الزامات اقتصادی زمان جنگ نخست باید از نگاه تقلیل‌گرایانه به‌نظام حکمرانی کشور فاصله گرفت و به‌آن بعنوان یک سیستم وابسته به‌بازار یا بافت‌ای درهم‌تنیده نگریست. در این پارادایم کشور یک شخصیت حقوقی، سیاسی و اجتماعی مستقل و یکپارچه است. در شرایط عادی اجزای این سیستم(اقتصاد، سیاست، نظامی، فرهنگ، جامعه) ممکن است منافع جزئی و گاه متضادی داشته باشند اما در شرایط جنگ و تهدید وجودی سرنوشت تمامی این اجزا بههم گره می‌خورد. وقتی ارکان نظامی و سیاسی کشور درمعرض تهاجم خارجی قرار می‌گیرند و خسارات جبران‌ناپذیری(شهادت مقامات عالی‌رتبه، انهدام زیرساخت‌ها و فشارهای بین‌المللی) متحمل می‌شوند هیچ بخشی ازجمله بخش اقتصاد نمی‌تواند خود را از این معادله مستثنی کند. اگر اقتصاد در چنین شرایطی به‌دنبال حفظ سود افزایش بهره‌وری یا فرار از پرداخت هزینه‌های اجتماعی برود متکب یک خطای استراتژیک مرگ‌بار شده است. باید توجه داشت که اولویت مطلق در زمان جنگ کمک به‌حفظ بقا و پایداری تمامی اجزای کشور است. اقتصاد باید نقش یک باروی حمایت‌گر و مقوم را ایفا کند و نه یک بخش مستقل که صرفاً به‌غرض‌انامه‌های حسابداری خود می‌نگرد.

■ کالبدشکافی نقایص ساختاری اقتصاد ایران در دوران جنگ

باوجود دستاوردهای خیره‌کننده نظامی و سیاسی ایران و نقش بی‌بدیل انسجام اجتماعی عملکرد رکن اقتصاد در ماه‌های اخیر با چالش‌ها و انحرافات اساسی مواجه بوده است. این انحرافات درحال تبدیل‌شدن به‌تهدیدی علیه همان سرمایه اجتماعی است که ستون فقرات مقاومت ملی را می‌سازد.

۲-۱- بحران اعتماد و شکست سیاست‌های ارزی و یارانه‌ای

مهم‌ترین حلقه اتصال میان ارکان یک جامعه در زمان بحران اعتماد عمومی است. تاریخ نشان داده است که نظام‌های حکمرانی تنها با اتکا به‌اعتماد عمومی توانستند از بحران‌های وجودی عبور کنند اما در دی‌ماه۱۴۰۴ سیاست‌گذاران اقتصادی ایران با اتخاذ تصمیماتی این سرمایه عظیم را تضعیف کردند.

■ شوک تکنرخی‌کردن ارز: حذف ارز حمایتی ۲۷/۵۰۰ تومانی و ادعای انتقال یارانه از ابتدای زنجیره به‌تنه‌ای زنجیره(مصرف‌کننده نهایی) ازطریق کالا برگ

حیدر مستخدمین حسینی *

تهدید جنگ امروز دیگر یک فرضیه یا سناریوی دور از ذهن نیست بلکه به‌عمیق‌ترین لایه‌های هستی حکمرانی ایران نفوذ کرده و اقتصاد، سیاست و جامعه را همزمان به‌چالش کشیده است. در چنین شرایطی بی‌سابقه‌ای هرگونه سیاست‌گذاری اقتصادی که فاقد چارچوبی متناسب با وضعیت جنگی باشد نه‌تنها ناکارآمد بلکه عاملی برای تسریع فروپاشی و افزایش آسیب‌پذیری ملی خواهد بود. این نوشتار با نگاهی بی‌برده و واقع‌بینانه رویکردهای اتخاذشده در زیربخش‌های اقتصادی ایران را در خلال ماه‌های اخیر به‌موته نقد می‌گذارد و میزان تطابق آنها با مقتضیات کنونی را ارزیابی می‌کند. براساس این واکاوی هشت‌گسل اساسی در ساختار حکمرانی اقتصادی کشور خودنمایی می‌کند: از نبود چارچوب مفهومی برای اقتصاد جنگ و نگاه تقلیل‌گرایانه به‌سیستم حکمرانی تا ساختار معیوب دولت که خود مشوق تسورم و کاهش ارزش پول ملی است. از اتکای صرف به‌سیاست‌های سرکوب‌کننده تقاضا بدون پشتوانه رفاهی تا فرار از کان اقتصادی از پذیرش هزینه‌های اجتماعی جنگ و تشدید نابرابری و بی‌اعتمادی در پس‌برده تمام این چالش‌ها یک هسته مر کزی خودنمایی می‌کند: تضاد راهبردی میان الزامات بقای ملی در شرایط جنگی و اصرار زیربخش‌های اقتصادی بر حفظ منافع جزئی و کوتاهمدت خود. در‌سوی‌مقابل این مقاله صرفاً به‌نقد اکتفا نکرده و نقشه‌راهی عملیاتی ترسیم می‌کند. راهکارهای پیشنهادی بر هشت‌محور کلیدی استوار است: انطباق کامل رویکردها با زیست‌بوم جنگ، بازسازی پل اعتماد عمومی بین حاکمیت و ملت، اصلاح ساختارهای بودجه‌ای و تورمز در بدنه دولت، انتشار اوراق مالی با سازو کار خودتورمی، هدایت هوشمندانه اعتبار برای راهاندازی چرخه‌های تازه تولیدو اشتغال و در نهایت شکستن انحصارات برای تقویت تکثر گرای اقتصادی و سیاسی. هدف غایی این پیشنهادها نه حفظ وضع موجود بلکه بازطراحی بنیادین کارکردهای اقتصادی در راستای تحقق تاب‌آوری ملی و تضمین استمرار حیات نظام حکمرانی در سخت‌ترین آزمون‌های تاریخی است.

■ ایران در اسانه تحول تاریخی؟

نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۵ به‌یکی از حساس‌ترین، پیچیده‌ترین و بی‌سابقه‌ترین مقاطع تاریخی خود پس از پایان جنگ تحمیلی هشت‌ساله رسیده به‌طوری‌که در کمتر از یکسال با راه‌جوهوم مستقیم، همه‌جانبه و تمام‌عيار نظامی از‌سوی استلاخی متشکل از اسرائیل، و ایالات‌متحده آمریکا و متحدان منطقه‌ای آنها مواجه شد و تعدادی از زیرساخت‌های حیاتی و شخصیت‌های عالی رتبه کشور هدف ترور و تخریب قرار گرفت. این نبرد باهدف فروپاشی کامل ارکان نظام حکمرانی، تجزیه سرزمینی ایران و ازین‌بردن شخصیت مستقل و یکپارچه ملی طرخی شد و نظام حکمرانی ایران را با یکی از بی‌سابقه‌ترین آزمون‌های پایداری و استقامت در تاریخ بین‌الملل مواجه کرد. بنابراین حصول پیروزی در این آزمون منوطا به‌سرآوردن کردن اقتضائاتی حیاتی است که در وهله اول تمامی اجزای درونی سیستم حکمرانی را درجهت برآوردن‌کردن شرط بقا و پایداری کل نظام سازماندهی کند. دراین‌میان شناسایی درست و دقیق جایگاه و نقش رکن اقتصاد در مجموعه‌ی نظام حکمرانی

تحلیل



ولی‌الله سیف— رقیب در شرایط متعارف اقتصادی، یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و ارتقای کیفیت خدمات است. بنگاه‌ها برای جذب مشتری ناچار می‌شوند نوآوری کنند، هزینه‌های خود را کاهش دهند و خدمات بهتری ارائه کنند اما تحقق این آثار مثبت، نیازمند وجود یک پیش‌شرط اساسی است: بنگاه باید بتواند آثار اقتصادی تصمیمات خود را در قیمت‌ها و درآمد‌هایش مشاهده کند.

هنگامی که قیمت‌ها دستوری هستند و بخش مهمی از درآمد‌ها یا هزینه‌ها خارج از اختیار بنگاه تعیین می‌شوند ماهیت رقابت نیز تغییر می‌کند. در چنین شرایطی رقابت لزوماً به‌افزایش کارایی منجر نمی‌شود بلکه ممکن است به‌مسابقه‌ای برای افزایش هزینه‌ها و کاهش توان مالی بنگاه‌ها تبدیل شود.

نظام بانکی ایران نمونه‌ای از چنین وضعیتی است. بانک‌ها ازیک‌سو با محدودیت در تعیین قیمت خدمات بانکی و نرخ‌های سود مواجه هستند و ازسوی‌دیگر برای حفظ یا افزایش سهم بازار خود تحت فشار رقابتی قرار دارند. درنتیجه انگیزه طبیعی بانک‌ها برای رشد و توسعه به‌جای آنکه همواره بر مبنای افزایش بهره‌وری و بازده اقتصادی باشد گاهی به‌سمت گسترش حجم فعالیت‌ها بدون توجه کافی به‌بازده واقعی آن حرکت می‌کند. در حوزه بانکداری الکترونیکی این وضعیت به‌شکل آشکارتری مشاهده می‌شود. توسعه شبکه پرداخت، افزایش تعداد ابزارهای ارائه خدمت، گسترش کاتال‌های غیرحضوری و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری همگی اقداماتی ضروری و ارزشمند هستند اما هنگامی که درآمد حاصل از این خدمات متناسب با هزینه ایجاد و نگهداری آنها نباشد رقابت بانک‌ها برای ارائه خدمات بیشتر به‌افزایش فشار مالی بر صنعت منجر شود هر بانک برای حفظ مشتریان خود ناگزیر است خدمات سریع‌تر، گسترده‌تر و متنوع‌تری ارائه کند. بانک رقیب نیز برای از دست ندان سهم بازار اقدام مشابهی انجام می‌دهد. نتیجه توسعه مداوم شبکه خدمات و افزایش سرمایه‌گذاری و عملیاتی است بدون آنکه الزاما درآمد متناسبی ایجاد شود.

این وضعیت را می‌توان نوعی رقابت فرسایشی دانست؛ رقابتی که در آن هر یک از بازیگران برای حفظ موقعیت خود مجبور به‌افزایش هزینه‌هایی می‌شود که در مجموع پایداری کل صنعت را کاهش می‌دهد. البته این مساله صرفاً به‌خدمات الکترونیکی محدود نیست. در فعالیت اصلی بانک‌ها یعنی جذب سپرده و

اعطای تسهیلات نیز نمونه‌هایی از این رقابت مشاهده می‌شود. بانک‌ها برای جذب منابع بیشتر به‌ویژه در شرایطی که امکان تعیین آزادانه نرخ‌ها وجود ندارد ممکن است وارد رقابت شدید برای افزایش حجم سپرده‌ها شوند. افزایش حجم منابع درظاهر می‌تواند نشانه رشد بانک تلقی شود اما اگر بازده اقتصادی استفاده از این منابع متناسب با هزینه تامین آنها نباشد رشد حجم فعالیت الزاما به‌معنای افزایش سلامت مالی بانک نیست.

از منظر مدیریت بنگاه ایمن وضعیت یک تناقض ایجاد می‌کند. مدیر بانک ازیک‌سو باید پاسخگوی انتظارات سهامداران برای رشد، افزایش سهم بازار و نمایش عملکرد مثبت باشد و ازسوی‌دیگر در بحیطی فعالیت می‌کند که ابزارهای اصلی تنظیم درآمد و هزینه در اختیار او نیست. بنابراین ممکن است افزایش حجم فعالیت به‌جای ایجاد ارزش اقتصادی صرفاً ابعاد یک مشکل ساختاری را بزرگ‌تر کند. درچنین شرایطی افزایش سهم بازار همیشه به‌معنای موفقیت اقتصادی نیست. ممکن است بانکی در جذب مشتریان، افزایش تعداد تراکنش‌ها یا توسعه شبکه خدمات موفق باشد اما اگر درآمد ایجادشده از این فعالیت‌ها کمتر از هزینه واقعی آنها باشد این موفقیت ظاهری درنهایت به‌افزایش زیان و تضعیف بنگاه منجر خواهد شد.

تجربه نظام بانکی نشان می‌دهد که رشد پایدار تنها از مسیر افزایش حجم فعالیت حاصل نمی‌شود بلکه نیازمند تناسب میان اندازه فعالیت، درآمد، هزینه، ریسک و سرمایه مورد نیاز است. هنگامی که این تناسب به‌دلیل مداخلات دستوری از بین می‌رود حتی رقابت نیز می‌تواند به‌جای اصلاح وضعیت ناترازی‌ها را تشدید کند. بنابراین اصلاح نظام بانکی صرفاً با توصیه به‌افزایش رقابت برای توسعه خدمات محقق نخواهد شد. رقابت زمانی به‌بهره‌سود عملکرد منجر می‌شود که در آن چارچوب اقتصادی سالم شکل گیرد؛ چارچوبی که در یک چارچوب هزینه‌ها و ریسک‌ها بتوانند پیام‌های واقعی خود را به‌تصمیم‌گیرندگان منتقل کنند.

در غیر این صورت رقابت می‌تواند به‌جای آنکه موتور کارایی باشد به‌عاملی برای بزرگ‌تر شدن تدریجی مشکلات تبدیل شود؛ مشکلاتی که آثار آن ممکن است در کوتاهمدت آشکار نباشد اما در بلندمدت هزینه‌های سنگینی برای نظام بانکی و کل اقتصاد ایجاد خواهد کرد

■ اقتصاد پنهان نظام پرداخت؛ چه‌کسی

■ هزینه خدمات رایگان را می‌پردازد؟

یکی از ویژگی‌های مهم سیاست‌های اقتصادی دستوری این است که هزینه واقعی آنها معمولاً در

نهادهای سیاست‌گذار قیمت یک کالا یا خدمت را کمتر از هزینه واقعی آن تعیین می‌کنند درظاهر ممکن است مصرف‌کننده از یک مزیت برخوردار شود اما هزینه حذف نشده بلکه تنها از یک بخش اقتصاد به‌بخش دیگری منتقل می‌شود. نظام پرداخت و خدمات بانکداری الکترونیکی نیز نمونه‌ای از همین وضعیت است.

در نگاه نخست رایگان بودن یا ارزان بودن بسیاری از خدمات پرداخت یک مزیت آشکار برای مردم محسوب می‌شود. مشتری می‌تواند بدون پرداخت هزینه قابل توجه از خدمات متنوعی استفاده کند و همین موضوع نیز به‌توسعه سریع بانکداری الکترونیکی کمک کرده اما پرسش اساسی این است که هزینه واقعی ایجاد، نگهداری و توسعه این شبکه گسترده چگونه تامین می‌شود؟ پاسخ این است که این هزینه‌ها از بین نمی‌روند بلکه به‌شکل‌های مختلف در جای دیگری ظاهر می‌شوند.

بخشی از این هزینه مستقیماً بر دوش بانک‌ها قرار می‌گیرد. بانک‌ها باید سرمایه‌گذاری‌های سنگین در فناوری، امنیت، تجهیزات، نیروی انسانی متخصص و نگهداری سامانه‌ها انجام دهند درحالی‌که درآمد حاصل از این خدمات همواره متناسب با هزینه‌های واقعی آن رشد نکرده اما در نهایت هزینه‌های انباشته‌شده در یک صنعت می‌تواند برای همیشه در همان صنعت باقی بماند. کاهش توان سرمایه‌گذاری بانک‌ها، کاهش کیفیت خدمات، کندشدن توسعه فناوری یا افزایش فشار بر سایر فعالیت‌های بانک همگی آثار ثانویه‌ای هستند که می‌توانند به‌سایر ذی‌نفعان و کل اقتصاد منتقل شوند به بیان دیگر رایگان بودن خدمات بانکی نوعی یارانه ایجاد کرده اما این یارانه مانند یارانه‌های آشکار در بودجه دولت دیده نمی‌شود. ردیف مشخصی در بودجه عمومی ندارد، از محل منابع مالیاتی پرداخت نمی‌شود و میزان آن نیز به‌صورت شفاف محاسبه نمی‌شود. به‌همین دلیل می‌توان آن را یارانه پنهان نظام پرداخت نامید.

مشکلات تبدیل شدن خدماتی که آثار آن ممکن است در کوتاهمدت آشکار نباشد اما در بلندمدت آن برخلاف هدف اولیه سیاست‌گذار باشد. هدف اولیه می‌تواند تسهیل دسترسی مردم به‌خدمات بانکی و تسویق استفاده از فناوری باشد اما اگر سازوکار تامین مالی این خدمات پایدار نباشد در بلندمدت همان زیرساختی که قرار بود کیفیت و رفاه را افزایش دهد با محدودیت در نگهداری

اقتصاد پنهان نظام پرداخت و ضرورت اصلاح مدل درآمدی بانک‌ها ر رقابت فرسایشی

و توسعه مواجه خواهد شد.

موضوع مهم دیگر اثر ایمن وضعیت بر تصمیمات اقتصادی بانک‌هاست. درشرایطی که هزینه واقعی خدمات به‌درستی در قیمت‌ها منعکس نمی‌شود مدیران و حتی سیاست‌گذاران تصویری دقیق‌ی از اقتصاد هر خدمت در اختیار ندارند. مشخص نیست کدام خدمات ارزش اقتصادی ایجاد می‌کنند، کدام خدمات نیازمند بازنگری هستند و هزینه توسعه هر بخش چگونه باید تامین شود. درنتیجه امکان مدیریت بهینه منابع نیز کاهش پیدا می‌کند. این مساله از منظر اقتصاد کلان نیز اهمیت دارد. منابعی که می‌توانست صرف توسعه فناوری، افزایش امنیت شبکه، بهبود کیفیت خدمات یا تقویت سرمایه بانک‌ها شود ممکن است به‌دلیل نبود نظام درآمدی مناسب در مسیر دیگری مصرف شود. بنابراین مساله فقط یک موضوع حسابداری یا مالی برای بانک‌ها نیست بلکه به‌کارایی تخصیص منابع در کل اقتصاد مربوط می‌شود. البته باید توجه داشت که درامحل انتقال ناگهانی همه هزینه‌ها به‌رمز نیست. هر اصلاحی در این حوزه باید تدریجی، شفاف و همراه با ملاحظات اجتماعی باشد. همانگونه‌که در بسیاری از کشورها، خدمات پایه با حمایت‌های هدفمند برای گروه‌های خاص حفظ می‌شود می‌توان میان حمایت اجتماعی و قیمت‌گذاری اقتصادی خدمات تفاوت قائل شد.

اشتباه اساسی آن است که تصور شود تنها راه حمایت از مردم رایگان نگه داشتن همه خدمات برای همه افراد است. در بسیاری از موارد این شیوه در ظاهر ایجادکننده است اما در عمل می‌تواند موجب کاهش کیفیت خدمات، تضعیف توان سرمایه‌گذاری و تحمیل هزینه‌های پنهان به‌همان جامعه‌ای شود که قرار است از آن حمایت شود.

بنابراین مساله اصلی نظام پرداخت ایران نه میزان کارمزد بلکه نبود یک چارچوب اقتصادی شفاف برای تعیین هزینه، درآمد و نحوه تامین مالی یک زیرساخت حیاتی است. تازمانی‌که این چارچوب اصلاح نشود موفقیت‌های گذشته در توسعه بانکداری الکترونیکی نیز نیازمند تحمل هزینه‌هایی خواهد بود که بخش بزرگی از جامعه از وجود آنها آگاه نیست.

اقتصاد پنهان نظام پرداخت دقیقاً در همین نقطه شکل می‌گیرد؛ خدمتی که برای استفاده‌کننده رایگان به‌نظر می‌رسد اما هزینه واقعی آنها در جایی دیگر و به‌شکلی کمتر قابل مشاهده پرداخت می‌شود.

ترامپ تمایلی به‌دیدار نتانیاهو ندارد

ایرنا- یک رسانه صهیونیستی با اشاره به‌تعمیق دیدار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از بروز شکافی تازه در روابط واشنگتن و تل‌آویو خبر داد.

روزنامه اسرائیل هیوم در گزارشی با اشاره به‌بروز اختلافات تازه میان واشنگتن و تل‌آویو در نحوه مواجهه با ایران مدعی شد روابط دوطرف وارد مرحله‌ای از تنش و نشانه‌های این شکاف در تعویق دیدار دونالد ترامپ و نتانیاهو نمایان شده و این موضوع کاهش سطح هماهنگی‌های سیاسی را به‌دنبال خواهد داشت.

این‌روزنامه در ادامه نوشت ترامپ(در شرایط کنونی) تمایلی به‌دیدار با نتانیاهو ندارد و عنوان کرد برخی محافل سیاسی این وضعیت را یکی از جدی‌ترین بحران‌های روابط دو طرف طی دهه‌های اخیر توصیف کردند. اسرائیل هیوم در ادامه با اشاره به‌اختلافات اخیر میان واشنگتن و تل‌آویو مدعی شد دولت ترامپ درحال اعمال فشار برای جلوگیری از اقدامات احتمالی اسرائیل است که می‌تواند به‌تشدید درگیری با ایران منجر شود.

این‌روزنامه به‌اظه‌ارات اخیر جی.دی.ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا اشاره کرد که رژیم صهیونیستی را به‌تلاش برای تاثیرگذاری بر روند مذاکرات و توافقات مورد نظر واشنگتن متهم کرده بود. این روزنامه این اظهارات را بخشی از یک کارزار سیاسی و رسانه‌ای علیه تل‌آویو توصیف کرده است.

در ادامه این گزارش آمده که برخی از گزارش‌ها نیز در رسانه‌های مطرح آمریکایی و صهیونیستی درباره اختلافات میان واشنگتن و تل‌آویو و اهداف رژیم صهیونیستی درقبال ایران منتشر شده که نشان‌دهنده افزایش فشارها بر کابینه نتانیاهو در پرونده ایران است.

اسرائیل هیوم با مرور اختلافات دولت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در سال‌های اخیر ازجمله تنش‌های دوران ریاست‌جمهوری جو بایدن با کابینه نتانیاهو افزود که این اختلافات بر محاسبات امنیتی منطقه‌ای تاثیر گذاشته و حتی در تصمیم گروه حماس برای آغاز عملیات ۷کتبر نیز بی‌تاثیر نبوده است.

این روزنامه در پایان مدعی شد واشنگتن در ارزیابی توان نظامی رژیم صهیونیستی دچار خطا شده و دولت ترامپ به‌سختی می‌تواند بپذیرد که راهبرد تل‌آویو درقبال ایران موثرتر از برآوردهای اولیه آمریکا بوده است. برخی تحلیلگران بر این باور هستند به‌دلیل افزایش احساسات ضد صهیونیستی در آمریکا ترامپ به‌این نتیجه رسیده که دیدار وی با نتانیاهو منجربه ریزش رای او خواهد شد و به‌همین جهت تمایلی به‌دیدشدن در کنار نتانیاهو ندارد.

بغداد و واشنگتن ۴۸توافقنامه همکاری اقتصادی امضا کردند

ایسنا- دولت عراق اعلام کرد با حمایت و نظارت نخست‌وزیر این کشور ۴۸توافقنامه، تفاهنامه و اعلام شراکت میان نهادهای دولتی و بخش خصوصی عراق و آمریکا به‌امضا رسید؛توافقاتی که بغداد آن را گامی برای ارتقای روابط اقتصادی و مالی دو کشور توصیف کرده است.

به‌گزارش ایسنا، دفتر رسانه‌ای علی فالج الزیدی، نخست‌وزیر عراق اعلام کرد که وی بر مراسم امضای ۴۸توافقنامه، تفاهنامه، قرارداد همکاری و اعلام شراکت میان عراق و آمریکا نظارت داشته است.

براساس بیانیه دولت عراق این‌اسناد همکاری بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی دوکشور را در بر می‌گیرد و به‌هدف ایجاد چارچوبی جدید برای توسعه روابط اقتصادی و مالی بغداد و واشنگتن به‌امضا رسیده است.

طبق گزارش خبرگزاری رسمی عراق در این بیانیه آمده که توافقی‌های امضا شده حوزه‌های مختلفی ازجمله نفت، برق، ارتباطات، آموزش، کشاورزی، صنعت و داروسازی را شامل می‌شود. طبق اعلام دولت عراق، وزارتخانه‌های نفت و برق و شرکت‌های وابسته به‌آنها با شماری از شرکت‌های بزرگ آمریکایی ازجمله اکسون‌موبیل (ExxonMobil)، کی‌بی‌آر (KBR)، جی‌ای ورنوو (GE Vernova)، شل (Shell) و هالبرتسون (Halliburton) توافقنامه‌های همکاری امضا کردند.

توافقی میان شرکت استارلینک(Starlink) و هیات رسانه و ارتباطات عراق برای ارائه خدمات ارتباطی به‌امضا رسیده است.

از دیگر اسناد امضاشده می‌توان به‌تفاهنامه میان شرکت فناوری کیزلایت (Kizlight) و بخش خصوصی عراق، همکاری با شرکت پی‌کسی (PepsiCo)، توافقی‌های درباره اجرای خطوط نفت به‌بندر بانیاس در سواحل دریای مدیترانه، قراردادهای همکاری آموزشی و توافقی‌هایی در حوزه تامین و تولید دارو اشاره کرد. دولت عراق اعلام کرد تفاهنامه‌هایی با شرکت‌های KBR، UOP، پولا‌ریس (Polaris)، انجمن مهندسان انرژی آمریکا(AEE) و شرکت PPTA فمال در حوزه شبکه‌های الکترونیکی امضا شده است.

براساس این بیانیه دوتوافقنامه نیز با شرکت فريتو لی (Frito-Lay) برای توسعه بخش کشاورزی عراق به‌امضا رسیده و همکاری‌هایی با شرکت‌های فعال در حوزه‌های کشاورزی، تجاری و صنعتی نیز در دستور کار قرار گرفته است.

دولت عراق این مجموعه توافقی‌ها را بخشی از برنامه توسعه همکاری‌های اقتصادی با آمریکا و انتقال روابط دوجانبه به‌مرحله‌ای جدید از مشارکت اقتصادی توصیف کرده است.

سناتور مارکی خواستار استیضاح ترامپ شد

ایسنا- پس از آنکه ترامپ در یک سخنرانی ادعا کرد نیروهایی که باعث تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ شدند هنوز در حال فعالیت هستند و سلامت انتخابات میان دورهای ۲۰۲۴ را تهدید می‌کنند یکی از سناتورهای دموکرات آمریکا از کنگره خواسته تا ترامپ را استیضاح کند.

درخواست ازسوی سناتور اد مارکی دموکرات پس از آن مطرح شد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از واژه‌های «به‌سرقت‌رفته و تقلب»، «فساد» و «لاپوشانی» در سخنرانی اخیر خود استفاده کرد و به‌یک‌سری از اسناد غیرمحرمانه برای توجیه ادعاهای خود متوصل شد اما نتوانست این ادعاها را اثبات کند.

به‌قول از پایگاه خبری هیل، سناتور مارکی در پیامی در ایکس نوشت: ترامپ باید بابت تضعیف و منحرف کردن انتخابات آزاد و عادلانه ایالات متحده استیضاح شود. وقتی او ماموران اداره مهاجرت و گمرکات را به‌صندوق‌های رای می‌فرستد ما باید بابت این اقدام غیرمردمی دست‌به‌یک اقدامی مدنی بزنیم و به‌خیابان‌ها بیااییم و تحصن کنیم، دست به‌اعتراض بزنیم، کار را متوقف کنیم. همه این گزینه‌ها روی میز است ترامپ پنجشنبه عصر مدعی شد که اسناد تازه منتشرشده‌ای هستند که نشان می‌دهند در دوره پنج‌ساله‌ای که از انتخابات ۲۰۲۰ آغاز می‌شود دولت چین به ۲۰میلیون پرونده رای‌دهنده آمریکایی دسترسی پیدا کرده بود.

منتقدان ادعاهای ترامپ اما می‌گویند که اطلاعات مربوط به‌رای‌دهندگان آمریکایی در دسترس عموم است یا می‌توان آنها را از ایالات خرید و اینکه ترامپ مدعی بوده اعضای دولت پنهان برای سرکوب و کوارزش‌شمردن اطلاعات درباره وسعت مداخله چین در انتخابات آمریکا فعالیت داشتند.

ترامپ مدعی شد که دولت چین می‌خواست او در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ شکست بخورد و اطلاعات خام به‌دست آمده توسط اف‌بی‌آی، آی در سال ۲۰۲۰ حاکی از آن است که یک‌خن حاتی تلاش کرده تا برای بایدن، رئیس‌جمهور سابق که در انتخابات ترامپ را شکست داد برگم‌های رای غیرقانونی بسازد اما منتقدان می‌گویند اطلاعاتی که چنین ادعایی را تایید کند وجود ندارد و در اصل غیرقابل قبول است سناتور مارکی، یکی از اعضای فراکسیون دموکرات‌های سنا در ماه آوریل پس از آنکه ترامپ تهدید کرد درصورت عدم بازگشایی تنگه هرمز تمدن ایران را محو خواهد کرد خواستار برکناری ترامپ شده بود.

او مارکی از مجلس نمایندگان آمریکا نیز خواست تا مفاد استیضاح را تصویب کند و سنا هم به‌محکومیت و برکناری ترامپ از سمتش رای دهد. او از کابینه ترامپ و معاونش جی.دی.ونس خواست تا با استناد به‌متم بیست‌وپنجم قانون اساسی رئیس‌جمهور را از سمت خود بر کنار کنند.

چه‌کسی قرار است با پوتین مذاکره کند؟

کرملین در تنگنای جنگ



کره‌نویسنده ناشناس اکنومیس‌ت و روزنامه‌نگاران مستقل ترسیم کردند. براساس نظرسنجی‌های مرکز مستقل ل‌وادا حمایت از ادامه جنگ به‌این‌ترین سطح خود رسیده و اکنون تنها ۲۴درصد از پاسخ‌دهندگان از آن حمایت می‌کنند هرچند حمایت از ارتش روسیه و تمایل به‌دستیابی به‌نتیجه‌ای مطلوب برای این کشور همچنان در سطح نسبتا بالایی قرار دارد.

نتایج یک نظرسنجی دیگر که توسط موسسه‌ای نزدیک به‌کرملین انجام شده نشان می‌دهد میزان اعتماد عمومی به‌پوتین به‌این‌ترین سطح خود از سال ۲۰۲۲ تاکنون رسیده است. تحولات میدانی جنگ چه نقشی ایفا می‌کنند؟ بخش قابل‌توجهی از تحلیلگران غربی مدعی هستند که اکنون ابتکار عمل در جنگ به‌سود اوکراین تغییر کرده است. اگرچه اوکراین در برخی زمینه‌ها عملکرد بهتری نسبت‌به گذشته دارد اما این روایت که موازنه جنگ به‌طور کامل به‌سود کی‌یف تغییر کرده بیش‌ازحد ساده‌انگارانه است. بدون تردید توانایی اوکراین در انجام حملات گسترده و موثر با پیاده‌های پیش‌رفته به‌عمق خاک روسیه تاثیر منفی قابل‌توجهی بر روحیه جامعه روسیه گذاشته است. این حملات تاکنون حدود ۲۰درصد از ظرفیت پالایش نفت روسیه را از مدار تولید خارج کردند.

با این حال کارشناسانی که تغییرات میدانی جنگ را رصد می‌کنند درباره وضعیت خطوط نبرد ارزیابی‌های متفاوتی ارائه می‌دهند. برخی از آنها از تلفات سنگین و عقب‌نشینی‌های روسیه سخن می‌گویند درحالی‌که گروهی دیگر همچنان از پیشروی‌های محدود نیروهای روسی خبر می‌دهند.

یکی از دلایل اصلی این اختلاف ارزیابی‌ها تغییر ماهیت جنگ زمینی است. نفوذهای تاکتیکی نیروهای در طرف باعث ایجاد منطقه‌ای خاکستری در بسیاری از جبهه‌ها شده و مفهوم سنتی خط مقدم را تا حد زیادی از بین برده است. اگر مناطقی که نیروها به‌طور موقت در آنها نفوذ

مجله آتلانتیک گزارش داد

۴سناریو در مورد آینده جنگ ایران و آمریکا



موضوعی که به‌تدریج ذخایر تسلیحاتی آمریکا را کاهش می‌دهد، برآوردها نشان می‌دهد جایگزینی بخشی از مهمات مصرف‌شده در این جنگ ممکن است دست‌کم سه‌سال زمان نیاز داشته باشد. بنابراین ادامه جنگ فرسایشی علاوه بر هزینه‌های جاری می‌تواند آمادگی نظامی آمریکا برای رویارویی‌های احتمالی دیگر را نیز کاهش دهد.

گزینه دوم افزایش شدید حملات نظامی با هدف از کارانداختن زیرساخت‌هایی است که ادامه زندگی عادی در ایران را ممکن می‌کنند. در این سناریو زیرساخت‌هایی مانند شبکه برق، سدها و تأسیسات تأمین آب می‌توانند هدف حملات قرار گیرند تا فشار بر حکومت ایران افزایش یابد. ترامپ پیشتر نیز تهدید کرده بود که درصورت پذیرفتن شرایط آمریکا زیرساخت‌های حیاتی ایران را هدف قرار خواهد داد اما این رویکرد آمریکا را وارد چرخه‌ای از تشدید تنش می‌کند. اگر حمله به‌راه‌ها و شبکه برق نتیجه مطلوب را ایجاد نکند احتمال گسترش حملات به‌تأسیسات آب و نفت افزایش خواهد یافت. درمقابل ایران نیز اعلام کرده که اگر زیرساخت‌های حیاتی مورد نیاز مردم این کشور هدف قرار گیرد به‌زیرساخت‌های مشابه در کشورهای حاشیه خلیج فارس حمله خواهد کرد؛ حملاتی که دفاع کامل در برابر آنها برای آمریکا

جنگی فرسایشی بدون نتیجه روشن

نخستین گزینه پیش‌روی آمریکا ادامه مسیر کنونی است یعنی تداوم حملات هوایی علیه مراکز نظامی، فرماندهان و زیرساخت‌های ایران با هدف وادار کردن تهران به‌امتیازدهی اما تجربه ماه‌های گذشته نشان داده که این راهبرد نتایج قابل‌تغییری در مواضع ایران ایجاد نکرده است. علاوه بر این ادامه چنین حملاتی نیازمند مصرف گسترده مهمات پیش‌رفته است؛

از منظر راهبردی مهم‌ترین تحول آن است که اوکراین و حامیان غربی آن به‌جای تمرکز صرف بر بازپس‌گیری سرزمین‌ها تلاش می‌کنند هزینه‌های ادامه جنگ را برای کرملین افزایش دهند. حملات پهنادی به‌پالایشگاه‌ها، زیرساخت‌های انرژی و حتی اهدافی در مسکو اگرچه موازنه نظامی را به‌طور بنیادین تغییر نداد اما احساس امنیت داخلی روسیه را به‌چالش کشیده و این پیام را منتقل کرده که جنگ دیگر محدود به‌جبهه‌های اوکراین نیست. این تغییر فشار روانی و سیاسی قابل‌توجهی بر دولت روسیه وارد کرده است.

در همین حال گزارش‌هایی درباره افزایش ناراضیاتی در میان نخبگان اقتصادی روسیه نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. هشتاد چهره‌هایی مانند آندری ملنچنکو نشان می‌دهد که بخشی از طبقه اقتصادی روسیه نگران آن است که ادامه جنگ این کشور را به‌سمت انزواى بیشتر، رکود اقتصادی عمیق‌تر و وابستگی راهبردی به‌چین سوق دهد. البته این ناراضیاتی الزاما به‌معنای تضعیف قریب‌الوقوع نظام سیاسی روسیه نیست اما بیانگر افزایش شکاف میان الزامات اقتصادی و ملاحظات امنیتی کرملین است.

با این حال نباید در ارزیابی این تحولات دچار اغراق شد. ساختار قدرت در روسیه همچنان انسجام بالایی دارد و نهادهای امنیتی و نظامی کنترل موثری بر فضای سیاسی اعمال می‌کنند. علاوه‌براین بخش مهمی از منتقدان پوتین نه مخالف جنگ بلکه خواهان تشدید عملیات نظامی و بسیج گسترده‌تر هستند. این موضوع نشان می‌دهد که اختلافات موجود بیشتر بر سر شیوه مدیریت جنگ است تا اصل جنگ یا سیاست خارجی روسیه. ازسوی دیگر واقعیت‌های میدانی نیز نشان می‌دهد که هیچ‌یک از طرفین توانایی ایجاد برتری قاطع ندارند. روسیه باوجود برتری در منابع انسانی و توان آتش نتوانسته دستاورد راهبردی تعیین‌کننده‌ای کسب کند و اوکراین نیز با وجود موفقیت در حملات عمقی هنوز قادر به‌تغییر اساسی موازنه زمینی نیست. درنتیجه جنگ بیش‌ازپیش به‌یک نبرد فرسایشی تبدیل شده که در آن تاب‌آوری اقتصادی، انسجام سیاسی و ظرفیت صنعتی بیش از پیش تعیین‌کننده خواهند بود. در این میان تصمیم‌ناتو برای تقویت توان دفاع هوایی اوکراین و برنامه تولید رهگیرهای سامانه پاتریوت قاطع با نقطه ضعفی تعیین‌کننده در میدان جنگ دست یابد.

تغییر محاسبات کرملین

درهمین رابطه است که برخی از ناظران معتقدند پس از گذشت بیش از چهارسال از آغاز جنگ اوکراین به‌نظر می‌رسد میدان اصلی رقابت میان روسیه و غرب دیگر صرفا در خطوط مقدم نبرد جریان ندارد بلکه به‌تدریج به‌عرصه‌ای سیاسی، اقتصادی و روانی منتقل شده است. گزارش‌های منتشرشده درباره کاهش حمایت نخبگان اقتصادی و بخشی از افکار عمومی روسیه از ولادیمیر پوتین در کنار افزایش حملات اوکراین به‌عمق خاک روسیه نشان می‌دهد که جنگ وارد مرحله‌ای شده که فرسایش داخلی می‌تواند به‌اندازه تحولات نظامی در تعیین سرنوشت آن نقش آفرین باشد.

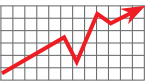
آسان نخواهد بود. درعین‌حال چنین سناریویی می‌تواند به‌بحران انسانی گسترده، تلفات فراوان و موج بزرگی از آوارگان منجر شود و واکنش منفی جامعه جهانی را برانگیزد.

گزینه دیگر آن است که آمریکا شرایط مورد نظر ایران را بپذیرد، توافقی تازه اعلام کند و آن را به‌عنوان موفقیتی سیاسی معرفی کند. توافقی آتش‌بس قبلی تاحدی در همین مسیر شکل گرفته بود اما اختلاف در تفسیر مفاد آن و ادامه حملات دریایی باعث شد این توافق دوام نیاورد. اکنون نیز بازگشت به‌توافقی مشابه دشوار به‌نظر می‌رسد اما ممکن است دولت آمریکا درنهایت چنین‌راهکاری را کم‌هزینه‌ترین گزینه موجود تشخیص دهد و تلاش کند آن را به‌عنوان دستاوردی دیپلماتیک معرفی کند.

چهارمین گزینه ورود نیروهای زمینی آمریکا به‌ایران است. با این حال این گزینه نیز با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است. آمریکا از نظر نیروی انسانی و پشتیبانی لجستیکی شرایط مناسبی برای آغاز یک عملیات زمینی گسترده در ایران ندارد. حتی تصرف مناطقی محدود نیز با ریسک بسیار بالایی همراه خواهد بود و موفقیت درچنین عملیاتی نیز لزوما به‌تحقق اهداف آمریکا منجر نمی‌شود. ایران به‌عنوان کشوری که در قلمرو خود می‌جنگد از مزیت دفاع در سرزمین خود برخوردار است؛ مزیتی که هرگونه عملیات زمینی را پیچیده‌تر می‌کند. اگرچه آمریکا تاکنون از اعزام گسترده نیروهای زمینی خودداری کرده اما اظهارات گذشته ترامپ نشان می‌دهد این گزینه به‌طور کامل از دستور کار کنار گذاشته نشده است.

جنگی که هیچ طرفی نمی‌تواند آن را به‌پایان برساند درمجموع ایران و آمریکا در وضعیتی قرار گرفتند که هیچ‌یک قادر نیستند برتری طرف مقابل را به‌طورکامل از بین ببرند یا او را به‌پذیرش شرایط خود وادار کنند. ازیک‌سو آمریکا نمی‌تواند برای مدت نامحدود جنگ فرسایشی کنونی را ادامه دهد زیرا این روند به‌تدریج منابع نظامی آن را مصرف می‌کند. ازسوی‌دیگر ایران نیز با استفاده از ابزارهایی نسبتا محدود همچنان توانایی ایجاد اختلال در تنگه‌هرمز را حفظ کرده است.

درنتیجه آمریکا با انتخابی دشوار روبه‌رو شده است: یا باید نفوذ آن در تنگه هرمز را تا حدی بپذیرد یا وارد چرخه‌ای از تشدید تنش شود که پایان و پیاده‌شدن آن قابل پیش‌بینی نیست.



بازارهای جهان

«جهان صنعت» ریزش بورس آمریکا را بررسی می‌کند

سقوط وال‌استریت زیر بار بحران اعتماد

«جهان صنعت»- بازار سهام آمریکا آخرین روز معاملاتی هفته میلادی را با افت گسترده شاخص‌ها و غلبه کامل فروشندگان شش‌پدر گذاشت؛ رخدادی که بار دیگر شکنندگی وال‌استریت و آسیب‌پذیری آن در برابر فشارهای اقتصادی و روانی را آشکار کرد. افت همزمان سه شاخص اصلی، افزایش تمداد نمادهای منفی و رشد شاخص نوسان، نشان داد خلاف روایت‌های خوشبینانه، فضای حاکم بر بورس آمریکا همچنان با بی‌اعتمادی و نگرانی سرمایه‌گذاران همراه است.

سقوط شاخص‌های اصلی

در پایان معاملات روز جمعه، فشار فروش در گروه‌های کالاهای مصرفی، خدمات مصرفی و فناوری، روند بازار را کاملاً نزولی کرد. در نتیجه شاخص میانگین صنعتی دالو جونز ۰/۷۷ درصد، شاخص اس‌اند‌پی ۵۰۰ معادل ۱/۰۱ درصد و شاخص نزدک نیز ۰/۴۰ درصد کاهش یافتند؛ افتی که بار دیگر ضعف ساختاری بازار سهام آمریکا را در برابر موج‌های ریسک نمایان کرد.

معاملات روز جمعه از ابتدا تحت سلطه عرضه قرار داشت و در نهایت هر سه شاخص مهم وال‌استریت با کاهش ارزش به کار خود پایان دادند. فشار فروش در سهام شرکت‌های بزرگ به‌ویژه در بخش فناوری و کالاهای مصرفی، مهم‌ترین عامل عقب‌نشینی بازار بود و سرمایه‌گذاران را با موج تا‌زای از نگرانی روبه‌رو کرد.

در میان نمادهای شاخص دالو جونز، شرکت «تارولز» با رشد ۲/۲۲ درصدی معادل ۳۷/۱۶ دلار، در قیمت ۳۶/۹۸ دلار بسته شد. همچنین سهام «سیسکو سیستمز» با افزایش ۲/۰۸ درصدی معادل ۲/۲۸ واحد به ۱۱۱/۹۴ دلار رسید و «شورون» نیز با رشد ۱/۹۱ درصدی معادل ۲/۵۲ واحد، معاملات را در قیمت ۱۸۷/۲۸ دلار به پایان رساند.

افت نمادهای بزرگ

در سوی مقابل، فشار فروش بر برخی از بزرگ‌ترین شرکت‌های آمریکایی کاملاً مشهود بود. سهام کوکاکولا با افت ۳/۹۶ درصدی معادل ۳/۳۶ دلار، در قیمت ۵۶/۸۱ دلار بسته شد. سهام IBM نیز با کاهش ۲/۹۲ درصدی معادل ۳۹/۶۰ دلار به ۲۱۲/۶۶ دلار رسید و گل‌من ساکس با افت ۲/۷۶ درصدی معادل ۳۰/۱۴ دلار، در قیمت ۱۰۶۵/۲۲ دلار متوقف شد.

در شاخص اس‌اند‌پی ۵۰۰ نیز اگرچه سهام «تارولز» با رشد ۲/۲۲ درصدی در صدر قرار گرفت و پس از آن «سیگنیت تکنولوژی» با افزایش ۵۶/۵۶ درصدی و «ستین» با رشد ۲/۹۹ درصدی بهترین عملکرد را ثبت کردند اما این رشدهای محدود نتوانستند بر فضای کاملاً منفی بازار غلبه کنند.

در مقابل، سهام شرکت Intuitive Surgical با افت سنگین ۱۴/۱۷ درصدی به ۳۴۵/۲۴ دلار سقوط کرد. همچنین Cadence Design Systems با کاهش ۱/۷۲ درصدی در سطح ۳۳۰/۱۱ دلار قرار گرفت و Synopsys نیز با افت ۷/۸۳ درصدی، معاملات را در قیمت ۳۸۴/۳۹ دلار به پایان رساند.

نوسان شدید در نزدک

در شاخص نزدک، شرکت Sadot Group Inc با رشد ۷/۵۴ درصدی و قیمت ۳۰/۳۰ دلار، Callan JMB Inc با افزایش ۹/۲۲ درصدی و قیمت ۱۲۰۲۰ دلار و Baiya International Group Inc با رشد ۳/۱۸ درصدی و قیمت ۱۴/۱۴ دلار، بیشترین افزایش را تجربه کردند.

در مقابل، Vivakor Inc با سقوط ۴۶/۹۵ درصدی به قیمت ۲۰۲/۲۶ دلار رسید، STAK Inc با افت ۴۶/۵۱ درصدی در قیمت ۱۰۱ دلار بسته شد و Growhub Ltd نیز با کاهش ۳۷/۵۸ درصدی به ۱۰۴ دلار رسید.

برتری مطلق فروشندگان

آمار معاملات نیز تصویری روشن از وضعیت شکننده بورس آمریکا ارائه داد. در بورس نیویورک، ۱۸۲۸ نماد با کاهش قیمت مواجه شدند در حالی که تنها ۹۰۹ نماد رشد کردند و قیمت ۷۵ سهم بدون تغییر باقی ماند. در بورس نزدک نیز ۱۱۱۳ سهم کاهش یافتند، در برابر ۱۲۴۰ سهم که افزایش قیمت داشتند و ۱۷۶ نماد بدون تغییر معامله شدند.

در همین حال سهام شرکت «تارولز» با رشد ۲/۲۲ درصدی به قیمت ۳۶/۹۸ دلار رسید و رکورد تاریخی جدیدی ثبت کرد اما سهام شرکت Intuitive Surgical با افت ۱۴/۱۷ درصدی تا سطح ۲۴۵/۲۴ دلار سقوط کرد و به پایین‌ترین قیمت خود در ۵۲ هفته گذشته رسید.

افزایش ترس در بازار

همزمان با تشدید فشار فروش، شاخص نوسان CBOE که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش میزان ترس و ریسک در بازار شناخته می‌شود، با رشد ۲/۰۱ درصدی به سطح ۱۷۷۴ رسید؛ افزایشی که از بالا رفتن نگرانی سرمایه‌گذاران نسبت به آینده بازار حکایت دارد.

در بازارهای کالایی نیز قیمت قراردادهای آتی طلا برای تحویل ماه اوت با افزایش ۰/۵۷ درصدی معادل ۲۲/۹۵ واحد، به ۱۵۰۰/۵ دلار در هر اونس رسید. همچنین نفت خام آمریکا برای تحویل ماه اوت با رشد ۲/۵۲ درصدی معادل ۲/۵۲ دلار در هر بشکه رسید و نفت برنت برای تحویل ماه سپتامبر نیز با افزایش ۲/۶۵ درصدی معادل ۲/۹۲ واحد، در قیمت ۸۷/۱۵ دلار معامله شد.

در بازار ارز نرخ برابری یورو در برابر دلار با تغییر جزئی ۰/۰۴ درصدی در سطح ۱/۱۴ باقی ماند و نرخ دلار در برابر یو ژاپن نیز با رشد ۰/۰۲ درصدی به ۱۶۲/۴۲ رسید.

آنچه از معاملات روز جمعه وال‌استریت به دست می‌آید، بازاری است که با وجود تبلیغات گسترده درباره استحکام اقتصاد آمریکا، همچنان در برابر کوچک‌ترین موج‌های نگرانی آسیب‌پذیر است. افزایش تمداد نمادهای منفی، رشد شاخص ترس و عقب‌نشینی همزمان سه شاخص اصلی، بار دیگر نشان داد بورس آمریکا بیش از هر زمان دیگری با بحران اعتماد سرمایه‌گذاران، نوسانات شدید و شکنندگی روانی مواجه است؛ وضعیتی که می‌تواند در صورت تداوم ریسک‌های اقتصادی و سیاسی، فشار بر بازارهای مالی این کشور را بیش از پیش افزایش دهد.

دیده‌بان

مدیر نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار از حمایت ۱۲/۵

حمایت ۱۲/۵ همتی صندوق‌های تثبیت و توسعه از بازار سهام

مدیر نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار از حمایت ۱۲/۵ همتی صندوق‌های تثبیت و توسعه بازار سرمایه از بازار سهام در هفته گذشته و در کنار سایر خریدهای حمایتی توسط سهامداران عمده و صندوق‌های بازارگردانی خبر داد. به گزارش پایگاه خبری بازار سرمایه ایران (سنا)، قادر معصومی خاتقانه با اشاره به رقم حمایت انجام‌شده صندوق توسعه بازار سرمایه از بازار سهام در هفته گذشته گفت: این صندوق با هدف حمایت از سهامداران از ۱۷۴ نماد به میزان ۷۶۴۰ همت حمایت کرد.

به گفته معصومی خاتقانه، صندوق توسعه بازار همچنین تا هفته گذشته بیش از ۴ همت از تعهدات خود را که عمدتاً اوراق تبعی از نوع تأمین مالی بوده، تسویه کرده است.

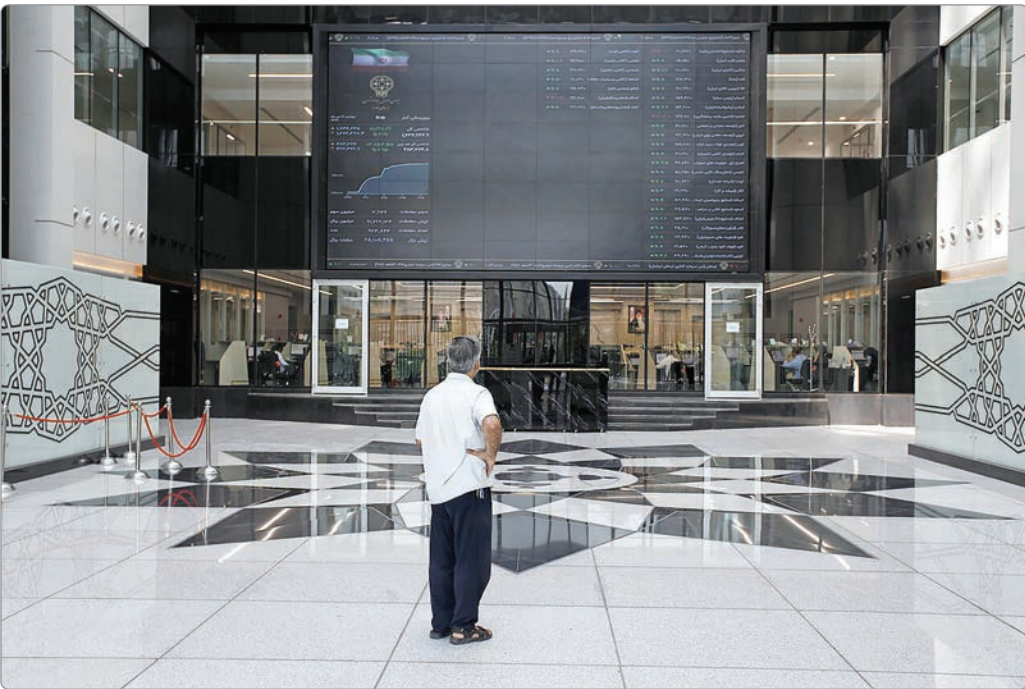
مدیر نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار درباره رقم حمایتی صندوق تثبیت بازار سرمایه نیز گفت: این صندوق در هفته گذشته با هدف حمایت از سهامداران از ۱۳۱ نماد به میزان ۴۸۹۴ همت حمایت کرد. به بیان دیگر، میزان خرید خود این صندوق در این بازه زمانی حدود ۵ همت بوده است.

مدیر نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار تأکید کرد: صندوق تثبیت بازار سرمایه نیز در هفته گذشته برای تسویه تعهدات ناشی از اقدامات حمایتی بعد از جنگ ۱۲ روزه، شامل همیار، تأمین مالی از طریق انتشار اوراق تبعی و... بیش از ۱۰ همت از منابع خود را صرف کرده است.

او اضافه کرد: به‌رغم اینکه صندوق‌های حمایتی بازار سرمایه منابع خوبی را برای حمایت از بازار در اختیار دارند ولی انتشار اوراق تبعی از نوع تأمین مالی در دستور کار این صندوق قرار داشته و بلافاصله پس از طی مراحل اداری و مقرراتی اطلاع‌رسانی و اجرایی خواهد شد.

«جهان صنعت» از ریزش ۱۶ هزار واحدی نماگر بازار سهام گزارش می‌دهد

سقوط سنگین بورس



داده است. همزمان با این تحولات، قیمت دلار نیز روندی صعودی به خود گرفته و تا روز گذشته به ۱۹۲ هزار تومان رسیده بود. بر این اساس بازارهای موازی از جمله طلا و صندوق‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر طلا با افزایش جذابیت مواجه شدند. در چنین شرایطی بخشی از سرمایه‌های موجود در بورس به سمت دارایی‌هایی حرکت کرد که از نگاه سرمایه‌گذاران، امنیت بیشتری در برابر ریسک‌های سیاسی دارند.

فعالان بازار بر این باورند که در دوره‌های افزایش ریسک‌های سیستماتیک، نقش نهادهای حمایتی برای کنترل هیجان و جلوگیری از شکل‌گیری صف‌های فروش اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. با این حال معاملات روز شنبه نشان داد حمایت موثری از سوی صندوق‌های حمایتی صورت نگرفته و صف‌های فروش بدون مداخله قابل‌توجه تا پایان بازار پابرجا مانده‌اند.

بازتاب افزایش نااطمینانی سیاسی در بورس

بر این اساس می‌توان گفت رفتار روز گذشته در بورس تهران بیش از آنکه ریشه در متغیرهای بنیادی شرکت‌ها داشته

افت ارزش معاملات خرد سهام

همزمان با افزایش فشار فروش، ارزش معاملات خرد نیز کاهش یافت و به ۱۵ هزار و ۹۴ میلیارد تومان رسید؛ رقمی که نسبت به روزهای معاملاتی گذشته افت محسوسی را نشان می‌دهد.

همچنین حجم معاملات در روز گذشته ۲۸/۲ میلیارد برگه سهم بود که بیانگر کاهش تحرک معامله‌گران و احتیاط بیشتر فعالان بازار برای ورود به دادوستدها در شرایط کنونی است.

خروج ۴/۸ همت پول حقیقی از بازار سهام

یکی از مهم‌ترین اتفاقات در معاملات روز گذشته، ادامه روند خروج سرمایه حقیقی از بورس آن‌هم در ارقام بزرگ بود. در پایان دادوستدها، ۴ هزار و ۸۴۳ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار خارج شد؛ رقمی که نشان‌دهنده تداوم کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خرد و تمایل آنها به کاهش حضور در معاملات سهام است.

تقویت بازارهای موازی با شدت گرفتن تنش‌ها شدت‌یافتن حملات آمریکا به ایران در روزهای پایانی هفته و هدف قرار دادن زیرساخت‌های کشور، سطح ریسک‌های سیستماتیک را به شکل محسوسی افزایش

«جهان صنعت»- بازار سرمایه

نخستین روز معاملاتی هفته را با یکی از سنگین‌ترین موج‌های فروش هفته‌های اخیر پشت‌سر گذاشت. تشدید تنش‌های نظامی در روزهای پایانی هفته، فضای احتیاط را بر معاملات حاکم کرد و موجب شد سرمایه‌گذاران از همان ابتدای بازار با رویکردی کاملاً تدافعی ظاهر شوند. نتیجه این شرایط، افت گسترده شاخص‌ها، خروج قابل‌توجه سرمایه حقیقی و کاهش ارزش معاملات بود؛ اتفاقی که نشان می‌دهد نااطمینانی همچنان مهم‌ترین عامل اثرگذار بر رفتار معامله‌گران است.

معاملات روز شنبه در بورس تهران از نخستین ذقایق با تشکیل صف‌های فروش در بخش قابل‌توجهی از نمادها کلید خورد. خلاف روزهای گذشته که در برخی سهم‌ها تقاضای محدودی مشاهده می‌شد، این‌بار برتری عرضه از ابتدا تا پایان معاملات حفظ شد و فرصت چندانی برای بازگشت قیمت‌ها ایجاد نشد. افزایش فشار فروش در ادامه معاملات موجب شد دامنه افت قیمت‌ها گسترده‌تر شود و در نهایت ۸۳ درصد از نمادهای بازار در محدوده منفی به کار خود پایان دهند.

ریزش ۱۱۶ هزار واحدی شاخص کل بورس

در پایان معاملات بازار سهام در روز شنبه، شاخص کل بورس با افت ۱۱۶ هزار و ۵۵۶ واحدی معادل ۲/۳۸ درصد، در سطح ۴ میلیون و ۷۷۷ هزار و ۲۷۹ واحد ایستاد. بخش عمده این کاهش تحت‌تأثیر فشار فروش در نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز رقم خورد؛ نمادهایی که به دلیل وزن بالای خود، نقش تعیین‌کننده‌ای در روند نماگر اصلی بازار داشتند.

عقب‌نشینی ۲۳ هزار واحدی شاخص هم‌وزن

شاخص هم‌وزن نیز همسو با شاخص کل مسیر نزولی را طی کرد و با کاهش ۲۳ هزار و ۸۹۴ واحدی معادل ۱/۸ درصد به سطح یک میلیون و ۳۰۲ هزار و ۲۵۰ واحد رسید. افت همزمان این دو شاخص نشان می‌دهد فشار فروش تنها به شرکت‌های بزرگ محدود نمانده است و بخش عمده بازار، اعم از نمادهای کوچک و متوسط، تحت‌تأثیر جو منفی معاملات قرار گرفته‌اند.

فراخوان عمومی شناسایی و ارزیابی تولیدکنندگان /

تأمین‌کنندگان مواد اولیه غیراصلی و گاز مصرفی



شرکت فولاد هرمزگان (جنوب)

شرکت فولاد هرمزگان جنوب در نظر دارد به منظور شناسایی و ارزیابی تولیدکنندگان اقلام زیر، از کلیه تولیدکنندگان /

تأمین‌کنندگان حقیقی و حقوقی واجد صلاحیت که دارای توان فنی، مالی و سوابق اجرایی مرتبط هستند دعوت نماید نسبت به ثبت‌نام و ارائه مستندات در سامانه ارتباط با تأمین‌کنندگان به آدرس srm.hosco.ir اقدام نمایند. برای کسب اطلاعات بیشتر، اطلاع از مدارک مورد نیاز ارزیابی، دریافت دیتا شیت فنی اقلام و راهنمایی با سوال در مورد نحوه ثبت‌نام، می‌توانید با شماره تلفن ۰۷۶۳۱۸۸۲۱۴۰ در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۲ تماس حاصل فرمایید.

۱. سبوس برنج (ماکزیمم رطوبت ۵ درصد)
۲. کک متالورژی دانه‌بندی (کربن حداقل ۸۰ درصد)
۳. آلومینیوم نیکمره و بسته‌بندی (آلومینیوم حداقل ۹۵ درصد)
۴. آلومینیوم وایر (آلومینیوم حداقل ۹۹ درصد و به صورت وایر)
۵. بریکت اکسیژن‌زدا (آلومینیوم حداقل ۴۵ درصد)
۶. گازهای مصرفی (آرگون، نیتروژن و اکسیژن)
۷. وایر گرافیتی (کربن حداقل ۹۷ درصد)
۸. کک نفتی کلسینه (CPC Calcined Petroleum Coke) (کربن حداقل ۹۷ درصد)

یادآور می‌گردد این آگهی، فراخوان شناسایی و ارزیابی بوده و برای ثبت‌نام‌کننده، هیچ حقی ایجاد نمی‌نماید و الزامی برای خرید از این شرکت‌ها، ایجاد نخواهد شد. از این شرکت‌ها، در خریدهای احتمالی آینده، بهره‌برداری خواهد شد.

آگهی مفقودی

به اطلاع می‌رساند کارت سبز، کارت انتظامی، کارت بنزین و سند مالکیت کامیونت متعلق به شرکت گروه صنایع غذایی پاکبان (سهامی عام) با مشخصات ذیل مفقود گردید و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مشخصات:

نوع خودرو: کامیونت یخچالدار آمیکو

مدل: M5.2

رنگ: سفید روغنی

شماره موتور: ۰۱۱۴۳۳۶۰

شماره شاسی: NA۲D۲JKD۴EA۰۰۳۹۷۹

شماره پلاک: ایران- ۴۴-۷۴۶ ع ۹۸

هیات‌مدیره شرکت گروه صنایع غذایی پاکبان

مزایده شماره: ۴۰۵/۰۱

موضوع: فروش ضایعات مستعمل و فرسوده مجتمع معدنی چادرملو

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند **شرکت معدنی و صنعتی چادرملو** در نظر دارد ضایعات مستعمل و فرسوده مجتمع معدنی خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی به فروش برساند، متقاضیان برای دریافت اسناد شرکت در مزایده و اطلاع از سایر شرایط حداکثر تا تاریخ **۱۴۰۵/۰۴/۳۰** با در دست داشتن فیش واریزی به مبلغ پنج میلیون ریال به **حساب جاری ۱۳۳-۱۸۵۴۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰** نزد بانک سپه شعبه بلوار اسفندیار (کد ۱۸۵۴۸) به نام شرکت معدنی و صنعتی چادرملو و برای دریافت اسناد مزایده به آدرس تهران- خیابان نلسون ماندلا (چردن)- خیابان عاطفی شرقی- کوچه رفیع- بن‌بست شبنم پ ۲۸ طبقه همکف واحد دبیرخانه مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند. محل بازدید از مجتمع معدنی چادرملو به آدرس: یزد- جاده طبس- کیلومتر ۱۸۰ می‌باشد.

لازم به توضیح است تحویل پاکت پیشنهاد قیمت به منزله برگزینی یا برنده شدن در مزایده‌های مذکور نمی‌باشد.

تلفن تماس واحد فروش: ۰۲-۷۹۴۶۳۳۰۰۰-۲۱

پست الکترونیکی:

Sales@chadormalu.com

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۴۱/۰۴/۱۴۰۵ / مع ت

شرکت پالایش نفت شیراز بر گزار نماید. لطفا جهت اعلام آمادگی و کسب اطلاعات بیشتر به وبسایت شرکت پالایش نفت شیراز به آدرس زیر مراجعه نمایید. آدرس سایت WWW.SORC.IR

روابطعمومی شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)



نگاه جزیر‌های دولت به‌صنعت برق مانع توسعه شده است

آینده مبهم توسعه تجدیدپذیرها

ایلنا- دبیر انجمن انرژی‌های تجدیدپذیری می‌گوید که اگر مجوز اتصال برق تولیدی از تجدیدپذیرها به‌شبکه را درخواست کنیم این‌مجاز داده نمی‌شود و دلیل آن را نیز حبس بار اعلام می‌کنند.

محمدامین زنگنه درباره ظرفیت تجدیدپذیرها برای حل ناترازی برق و چالش‌های پیش‌روی این‌صنعت طی گفت‌وگویی به‌ایلنا گفت که متأسفانه نگاه دولت به‌تجدیدپذیرها جزیره‌ای است یعنی هر کس تصمیم و نظر خود را به‌سیاست‌های کشور در صنعت برق تحمیل می‌کند تاجایی که به‌گفته او بخشی از دولت به‌خصوص شخص رئیس‌جمهور طرفدار توسعه تجدیدپذیرهاست و تلاش زیادی در این‌حوزه صورت می‌گیرد که نتیجه آن نیز رشد نیروگاه‌های خورشیدی است.

زنگنه روایت کرده که قبل از دولت فعلی کل ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور ۱۵۰۰ مگاوات بود اکنون ظرفیت منصوبه به‌بیش از ۵هزار مگاوات رسیده و این نشان می‌دهد نگاه دولت به‌تجدیدپذیرها نگاه استراتژیک و در راستای حل مشکل ناترازی است.

دبیر انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر کشور با بیان اینکه اکنون برق و گاز کشور بدرستی روی تجدیدپذیرها حساب کرده، گفت: هم‌زمان با این‌نگاه شاهدیم که در وزارت نیرو اتفاقاتی خلاف این‌رویکرد در حال رخ‌دادن است؛ مثلاً اکنون اگر مجوز اتصال به‌شبکه درخواست کنیم این‌مجاز داده نمی‌شود و دلیل آن را نیز حبس بار اعلام می‌کنند.

گروه انرژی – دوتحلیگر مرکز

جهانی انرژی شورای اتلانتیک هشدار دادند که با طولانی‌شدن جنگ آمریکا و ایران و فروپاشی آتش‌بس کوتاه‌مدت میان دو‌کشور بازارهای نفت و مصرف‌کنندگان انرژی باید خود را برای سناریوهایی دشوارتر آماده کنند زیرا بازگشت سریع شرایط به‌وضعیت پیش‌از جنگ روزه‌روز بعیدتر می‌شود.

دیوید ال‌ گلدوین، رئیس گروه مشورتی انرژی شورای اتلانتیک و نماینده پیشین وزارت خارجه آمریکا در امور انرژی به‌همراه اندریا کلابو، پژوهشگر غیرمقیم مرکز جهانی انرژی این‌شورادر تحلیلی با‌عنوان «تنگنای دشوار: راه گریزی از هرمز نیست» نوشتند که جنگ آمریکا و ایران به‌شش‌ماهگی نزدیک می‌شود:درحالی‌که آتش‌پسی که اندکی بیش از یک‌ماه دوام آورده بود درحال فروپاشی است.

از نظر این‌دو نویسنده در شرایط کنسونی دلایل چندانی وجود ندارد که نشان دهد مسیر جنگ در آینده نزدیک تغییر خواهد کرد. به‌همین دلیل بازار نفت و مصرف‌کنندگان باید احتمال تحقق سناریوهایی بسیار بد را جدی بگیرند و بپذیرند که آنچه پیش از جنگ وضعیت عادی تلقی می‌شد ممکن است دیگر قابل‌بازاریابی نباشد. **چرخه فرسایشی جنگ و مذاکرات نتیجه**

براساس گزارشی که در وب‌سایت رسمی شورای اتلانتیک، به‌نقل از گلدوین و کلابو منتشر شده آنها تاکید کردند الگوی کنونی جنگ را از حملات نظامی پراکنده، اعلام آمادگی برای مذاکره، عقب‌نشینی موقت و سپس از‌سرگیری درگیری است. به‌گفته آنان این‌روند برای فلالن بازارهای نفت و گاز به‌الگویی آشنا تبدیل شده اما درعین‌حال دستیابی هریک از طرفین به‌یک موفقیت قاطع و پایان‌دادن به‌جنگ براساس شرایط موردنظر خود را دشوارتر کرده است. به‌باور نویسندگان، اهداف اصلی آمریکا و ایران که در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند از آغاز جنگ تغییر نکردند. مذاکرات تاکنون نتوانستند تغییری اساسی در این‌اهداف ایجاد کنند و احتمال اینکه استفاده از نیروی نظامی نیز به‌نتیجه‌ای تعیین‌کننده منجر شود چندان بیشتر نیست.

این تحلیل ریشه بحران کنونی را در ارزیابی نادرست دولت دونالد ترامپ از نوع نگاه جمهوری اسلامی ایران به‌جنگ می‌داند. نویسندگان معتقدند واشگتن شدت و ماهیت اهداف ایران و توانایی‌های عملیاتی این‌کشور را بدرستی درک نکرد.

آنان می‌نویسند پس از آنکه راهبرد اولیه آمریکا برای از‌میان‌بردشتن رأس ساختار سیاسی و فرماندهی ایران به‌نتیجه موردنظر نرسید کاخ سفید به‌گزینه مذاکره روی آورد تا راهی برای خروج از بحرانی پیدا کند که به‌تدریج به‌یک بحران جهانی انرژی تبدیل شده بود.

از نگاه نویسندگان مذاکره در شرایط معمول می‌تواند به‌امتیازهای متقابل و جلوگیری از عملیات نظامی پرهزینه منجر شود. آنان توافق

هسته‌ای دوره باراک اوباما، موسوم به‌برجام را نمونه‌ای از چنین رویکردی معرفی می‌کنند و می‌گویند هدف آن توافق جلوگیری از وقوع جنگی مشابه درگیری کنونی بود. **محاسبه نادرست واشگتن درباره توافق ژوئن**

دولت ترامپ در ماه ژوئن تصور می‌کرد با اعلام آتش‌بس و ازسرگیری محدود انتقال انرژی از تنگه هرمز به‌یک راه‌حل موقت دست یافته است براساس تحلیل شورای اتلانتیک کاخ سفید تصور می‌کرد امتیازهای مندرج در یادداشت تفاهم ازجمله به‌تعویق‌انداختن رسیدگی به‌موضوع هسته‌ای و آزادسازی میلیاردهاد دلار از منابع مالی مسودوشده ایران برای ترغیب تهران به‌بازنگه‌داشتن تنگه‌هرمز و عادی‌سازی جریان نفت کافی خواهد بود.

نویسندگان با لحنی انتقادی

نسبت‌به ایران می‌گویند دولت ترامپ

احتمالاً انتظار داشت جمهوری اسلامی

که در جنگ آسیب دیده و تحت فشار

قرار گرفته بود بازگشت به‌شرایط پیش

از درگیری را همراه با مزایای اقتصادی

جدید بپذیرد و ازاین‌طریق راه خروجی

برای همه طرف‌ها ایجاد شود اما از دید

آنان ایران این‌جنگ را صرفاً موضوعی

برای مبادله چند امتیاز سیاسی و

اقتصادی نمی‌بیند. جمهوری اسلامی

درگیری کنونی را نبردی موجودیتی

تلقی می‌کند که برای رویارویی با آن

طی چند دهه آماده شده است. همین

تفاوت بنیادین در برداشت دوطرف از

همان ابتدا زمینه شکست آتش‌بس را

فراهم کرد.

در تحلیل این دو کارشناس تاکید

شده که بازگشت کامل به‌وضعیت

پیش‌از جنگ هیچ‌گاه از نظر حکومت

ایران راه‌حلی قابل‌قبول نبود. به‌ارزیابی

نویسندگان تهران می‌خواهد دریایان

این‌بحران نه‌تنها موقعیت داخلی خود

را تقویت کرده باشد بلکه به‌مدیر

بالفعل یکی‌از مهم‌ترین مسیرهای

تجارت و ترانزیت‌بش انرژی جهان

تبدیل شود. این‌عبارت به‌معنای تایید

حق مالکیت یا حاکمیت انحصاری

ایران بر تنگه هرمز نیست بلکه

توصیف نویسندگان از هدفی است

که به‌اعتقاد آنان تهران دنبال می‌کند

به گفته او، حبس بار باین مناسبت که ما تعداد زیادی نیروگاه و تولید برق در کشور داریم ولی به‌دلیل محدودیت خطوط انتقال و پست نمی‌توانیم بار جدید دریافت کنیم یعنی نمی‌توانیم برق را از نقطه تولید به‌محل مصرف منتقل کنیم. باتوجه ب‌این وضعیت سوال این است که چگونه کشوری با ۱۵تا۱۰هزارمگاوات کسری برق هم‌زمان حبس بار هم دارد؟ تاکنون کسی پاسخ نداده است.

زنگنه یادآور شد: ازیک‌سو گفته می‌شود که کسری برق داریم و تقاضا می‌کنند که

نیروگاه احداث شود و ازدیگرسو به‌همانه حبس بار مجوز اتصال به‌شبکه داده نمی‌شود

وی تاکید کرد: از وزارت نیرو می‌خواهیم این‌تضاد را حل کند و توضیح دهد که

چگونه باوجود ناترازی حبس بار هم داریم.

این کارشناس حوزه برق و انرژی در ادامه تصریح کرد: وزارت نیرو اینگونه عنوان

می‌کند که باتوجه‌باینکه منبع تامین برق تجدیدپذیرها دست خودمان نیست باید

بینیم شبکه تاجه سطحی می‌تواند توسعه تجدیدپذیرها را تحمل کند. به‌عبارت

دیگر از آن‌هایی که وزارت نیرو ملزومات توسعه تجدیدپذیرها را به‌مانندار کافی در

اختیار ندارد ترجیح می‌دهد که همان روند قدیمی یعنی تولید از مسیر برق حرارتی

را ادامه دهد. ازسویی وزارت نیرو باید توضیح دهد و شفافسازی کند که چون پول

ندارد بسنت، خطوط و شبکه را توسعه و ارتقا دهد علاقه‌ای به‌احداث نیروگاه‌های

تجدیدپذیر ندارد.

زنگنه براین باور است که درحال حاضر باتوجه به‌اینکه مشکل سوخت در کشور

امکان تولید برق در حرارتی‌ها هم به‌سختی فراهم است بنابراین وضعیت تامین

برق به‌همین شکل ادامه دارد. معضلی که از دیدگاه او ریشه در نگاه جزیره‌ای در

مراحل بالای تصمیم‌گیری در کشور دارد و باعث شده تنها چیزی که اهمیت نداشته

مردم، برق و منافع ملی باشد.

دبیر انجمن انرژی‌های تجدیدپذیر در ادامه گفت: اکنون از ۱۰۰هزارمگاوات ظرفیت منصوبه ۱۵هزارمگاوات مربوط به‌مجموع تجدیدپذیر و برقیابی بوده یعنی ظرفیت منصوبه نیروگاههای حرارتی ۵هزارمگاوات است. اگر نمی‌توانیم با این‌میزان ظرفیت نیروگاه حرارتی(۱۵هزارمگاوات) نیروگاه تجدیدپذیر را مدیریت کنیم نشان از ضعف ماست.

وی گفت: ضریب نفوذ تجدیدپذیرها در کشورهای پیشرفته ازجمله دانمارک

به ۰ درصد هم رسیده که اکثراً هم نیروگاه بادی بوده اما در کشور ما عنوان می‌شود

که نیروگاه خورشیدی فقط درطول روز امکان تولید دارد برای شب چه باید کرد.

پاسخ اینکه طبق آمار وزارت نیرو پیک شب و روز ۳هزارمگاوات اختلاف دارد و

بہتر است همین را جبران کنیم و سریع سراغ راهکار اعمال خاموشی نرویم. اکنون

خاموشی داریم بعد نگران این‌هستیم که بار شبکه زیاد شود. مشکل فعلی را حل

نمی‌کنیم نگران مشکلی هستیم که احتمالاً در آینده به‌وجود بیاید.

زنگنه گفت: در کشورهای دیگر ضریب نفوذ تجدیدپذیرها به ۵۰درصد رسیده

و شبکه را برای دریافت این‌میزان برق توسعه دادند. در کشور ما نیز وزارت نیرو

وظیفه دارد شبکه را متناسب را رشد تجدیدپذیرها توسعه دهد اما به‌جای این‌کار

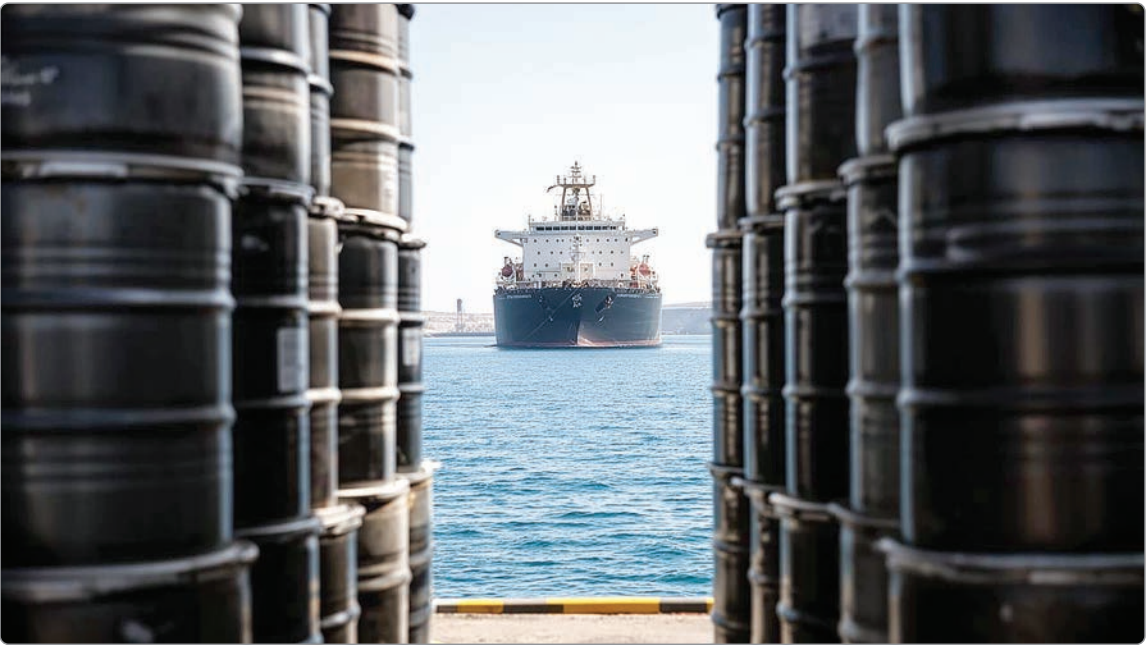
مانع توسعه این‌نیروگاه‌ها می‌شود.

به‌گفته او، ما ۱۰۰هزارمگاوات پتانسیل نیروگاه خورشیدی و ۸۰هزارمگاوات

پتانسیل نیروگاه بادی و ازنظر ظرفیت شبکه هم ۲۰هزارمگاوات ظرفیت احداث

تجدیدپذیر داریم آن‌هم بدون اینکه اتفاقی برای شبکه بیفتد به‌شرطی که شبکه

به‌روز شده و همکاری با نهادهای افزایش یابد.



انتشار تحلیل نفت برنت از روز یکشنبه حدود ۱۰درصدافزایش یافته بود.

نویسندگان به‌نشانه‌های ورود

نیروهای حوثی یمن به‌مرحله جدید

درگیری اشاره کردند. حوثی‌ها در

روهای پیش از انتشار مقاله پس‌از

چند سال آرامش نسبی حملاتی را

علیه عربستان سعودی انجام داده و

مسئولیت آنها را برعهده گرفته بودند

به ارزیابی گلدوین و کلابو، اگر

حوثی‌ها با حمایت ایران عبور کشتی‌ها

از تنگه باب‌المندب را نیز مختل کنند

انتقال روزانه حدود ۴میلیون‌بشکه دیگر

نفت در معرض حمله قرار خواهد گرفت.

چنین‌وضعیتی فشار واردشده بر بازار

جهانی انرژی را به‌میزان قابل‌توجهی

افزایش خواهد داد.

آژانس بین‌المللی انرژی نیز هشدار

داده بود که ادامه و تشدید جنگ

امریکا و ایران می‌تواند پیش‌بینی

مربوط به‌شکل‌گیری مازاد عرضه

نفت در سال۲۰۲۷ را برهم بزند.

این‌پیش‌بینی به‌به‌بود پایدار عبور

نفطکشی‌ها از تنگه هرمز وابسته است

ذخایر راهبردی کاهش می‌یابد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۰۲۷۴۵۰۰۲۳۱۰۵۵۰۳۳۱۰۵۶۰۱۴۰۵ مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۳۱ هیات اول موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نظر آثار تصرفات مالکانه بلعماضر متقاضی آقای علی حسام‌بنه‌کهل فرزند اداملعی به شماره شناسنامه ۲۴۲ صادره از هشتگرد مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغ (بدون درج اعیان ساختمان) به مساحت ۶۹۲۷/۰۹ مترمربع از پلاک ثبتی ۲۵ اصلی از مالکیت اداملعی حسام‌بندکهل را برابر با سند به شماره ۱۹۱۵۱ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۳ دفترخانه ۱۷ تهران واقع در روستای حسین آباد بخش حوزه ثبت ملک نظر آباد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۸

مهدی خان آشنا
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نظرآباد
شناسه آگهی: ۳۲۲۸۹۶۸ – مالک ۲۶۴۷

خبر

شهادت راننده نفتکش

شاننا- راننده نفتکش شرکت ملی پخش فراآوردهای نفتی ایران در پی حمله موشکی شب گذشته به‌پیل‌های مواصلاتی محور بندرعباس-بندر خمیر پل کشورستان در استان هرمزگان حین انجام وظیفه و در مسیر تامین سوخت مورد نیاز کشور به‌درجه رفیع شهادت نائل شد. به‌گزارش شرکت ملی پایش و پخش فراآوردهای نفتی ایران در پی حمله موشکی شب گذشته به‌پیل‌های مواصلاتی محور بندرعباس-بندر خمیر پل کشورستان در استان هرمزگان یکی‌از نفتکش‌های منطقه هرمزگان شرکت ملی پخش فراآوردهای نفتی ایران که درحال انتقال فراآوردهای نفتی و انجام ماموریت سوخت‌رسانی بود مورد اصابت قرار گرفت. متأسفانه در این‌جاده محمد مؤیدی فرزند حسن، راننده متعهد و فداکار این‌نفتکش حین انجام وظیفه و در مسیر تامین سوخت مورد نیاز کشور به‌درجه رفیع شهادت نائل شد. با شهادت این‌همکار گرانقدر شمار شهدای شرکت ملی پایش و پخش فراآوردهای نفتی ایران که در راه انجام ماموریت و خدمت‌رسانی به‌ملت شریف ایران به‌شهادت رسیدند به چهار نفر رسید.

حمله آمریکا به‌تاسیسات آب شیرین در جاسک

آیفا- در ادامه جنایات و حملات تروریستی دشمن آمریکایی به‌تزیساخت‌های استان هرمزگان این‌بار آبشیرین‌کن بونچی در غرب شهرستان جاسک مورد حمله تروریستی قرار گرفت که در اثر آن تامین آب آشامیدنی ۲۰روستا با جمعیتی حدود ۱هزارنفر با اختلال کامل مواجه شد. مدیر عامل آب و فاضلاب استان هرمزگان با اعلام این‌خبر گفت: در این‌حمله ایستگاه پمپاژ برداشت آب خام از دریا و ترانس برق مربوط به‌آب‌شیرین‌کن بونچی با ظرفیت تولید ۳۱۵۰مترمکعب در شبانه‌روز به‌طور کامل تخریب شده است. عبدالحمید حمزه‌پور افزود: در پی این‌حمله اکنون آب شرب ۲۰روستای منطقه با جمعیتی حدود ۱۰هزار نفر به‌طور کامل قطع شده و این‌روستاها با بحران بی‌آبی مواجه هستند او با اشاره به‌آغاز اقدامات اضطراری برای مدیریت شرایط اظهار کرد: نیروهای عملیاتی شرکت آب و فاضلاب هرمزگان در تلاش برای تامین اضطراری آب ساکنان و بازسازی تاسیسات آسیب‌دیده هستند تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن آب شرب مشترکان دوباره برقرار شود.

گردش روزانه پول در جهان نفت چقدر است؟

میز نفت – بازار جهانی نفت و انرژی هر روز شاهد جابه‌جایی میلیاردها دلار سرمایه است. از نفت خام و فراآوردهای نفتی گرفته تا گاز طبیعی، ال‌ان‌جی و محصولات پتروشیمی مجموع ارزش مبادلات این‌پخش روزانه بین ۵۸۹/۰ (میلیارد دلار برآورد می‌شود که نشان‌دهنده جایگاه راهبردی انرژی در اقتصاد جهان است.

بیشترین سهم از گردش مالی بازار انرژی به‌نفت خام اختصاص دارد. روزانه بین ۸۰تا۷۰میلیون بشکه نفت خام در بازارهای جهانی معامله می‌شود که با میانگین قیمت ۷۰دلار برای هر‌بشکه ارزشش بین ۵۶تا۵/۶میلیارد دلار ایجاد می‌کند. این‌رقم به‌تنهایی بیش‌از نیمی از ارزش کل تجارت روزانه انرژی را شامل می‌شود. پس‌از نفت خام فراآوردهای نفتی مانند بنزین، گازوئیل و سوخت جت قرار دارند. حجم تجارت این‌محصولات روزانه بین ۲۰تا۲۵میلیون‌بشکه است و با میانگین قیمت ۹۵دلار برای هر‌بشکه ارزش معاملات آنها به‌۱۹تا۲میلیارد دلار در روز می‌رسد. گاز طبیعی نیز بخش مهمی از بازار انرژی را تشکیل می‌دهد. حجم تجارت روزانه این‌بخش معادل ۳۰تا۲۵میلیون‌بشکه نفت برآورد می‌شود و ارزش آن بین ۰۰تا۶۰میلیون دلار در روز است. در کنار آن تجارت ال‌ان‌جی با حجمی معادل ۸میلیون بشکه نفت روزانه حدود ۰۰میلیون دلار گردش مالی ایجاد می‌کند و همچنان یکی از سریع‌ترین بازارهای درحال رشد انرژی به‌شمار می‌رود. محصولات پتروشیمی نیز سهم قابل‌توجهی در اقتصاد انرژی دارند. روزانه معادل ۱۰تا۱۵میلیون‌بشکه نفت از انواع محصولات پتروشیمی در بازارهای جهانی معامله می‌شود که با میانگین ارزش ۱۰۰دلار برای هر بشکه معادل نفت گردش مالی این‌بخش را به‌یک تا ۱۵میلیارد دلار در روز می‌رساند.

اعلام هزینه احداث نیروگاه خورشیدی خانگی

پاون- مدیر کل دفتر بررسی‌های اقتصادی و تامین منابع مالی ساتیا به‌صرفه اقتصادی احداث نیروگاههای خورشیدی خانگی اشاره کرد و گفت که نیروگاههای خورشیدی انشعایی می‌توانند علاوه‌بر تامین بخشی از نیاز برق به‌منبعی برای ایجاد درآمد پایدار خانوارها تبدیل شوند. زهره اولیا اظهار کرد: احداث نیروگاههای خورشیدی انشعایی با اهداف مختلفی انجام می‌شود که یکی از مهم‌ترین آنها کسب درآمد از محل فروش برق به‌شبکه است. در این‌مدل نیروگاه به‌صورت متصل به‌شبکه (On-Grid) احداث شده و برق تولیدی آن براساس قرارداد خرید تضمینی به‌وزارت نیرو فروخته می‌شود. وی با بیان اینکه هزینه احداث یک نیروگاه خورشیدی پنج‌کیلوواتی درحال حاضر حدود ۴۰۰تا۲۵۰میلیون‌تومان است، افزود: دوره بازگشت سرمایه این‌نیروگاهها حدود چهارویم تا حداکثر پنج‌سال برآورد می‌شود و پس از آن درآمد حاصل از فروش برق سود خالص سرمایه‌گذار خواهد بود. مدیر کل دفتر بررسی‌های اقتصادی و تامین منابع مالی ساتیا خاطر‌نشان کرد: یک‌نیروگاه پنج‌کیلوواتی درصورت استفاده برای مصرف شخصی توان پاسخگویی به‌نیاز برق یک خانوار را دارد اما در این‌حالت استفاده از سامانه‌های ذخیره‌ساز نیز ضروری است تا امکان بهره‌برداری از برق تولیدی در ساعات مختلف شبانه‌روز فراهم شود.

آگهی مفقودی

برگ سبز موتورسیکلت ملی ۱۲۵CC مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۳۱۶۸۴-۷۵۳ به شماره موتور ۱۱۲۲۸۸ و شماره تنه ۷۵۷۴-۸۷ مفقود گردیده و از اعتبار ساقط می‌باشد.

شاهرود

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۰۲۷۴۵۰۰۳۳۱۰۱۲۰۱۱۹۱۰۱۴۰۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۳۱ هیات موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلعماضر متقاضی خیرالله امداد فرزند علی به شماره شناسنامه ۵۱ کدملی ۱۷۳۹۵۶۷۳۴۱ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه باغچه به مساحت ۲۲۸۲/۴ مترمربع از پلاک ۸۴ اصلی از مالکیت بیوک فیروزروستا برابر سند ۱۱۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۵ دفترخانه ۶۰۱ تهران ذیل صفحه ۲۳۳ دفتر ۲۶ واقع در سرخاب حوزه ثبت ملک ساوجبلاغ استان البرز تایید و رای هیئت صادر گردیده نوع کاربری ملک کشاورزی می‌باشد. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به داد‌گاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات و پس از طی تشریفات قانونی سند مالکیت صادر خواهد شد.

نوبت اول ۱۴۰۵/۰۴/۲۸
نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۵/۱۲

بشیر نعیم‌زاده
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساوجبلاغ
شناسه آگهی: ۳۲۲۸۹۶۸ – مالک ۲۶۴۷



با جام جهانی

بیرانوند علیه شهریار

خبر ورزشی – دروازه‌بان تیم ملی با انتشار استوری‌های اینستاگرامی تند و توهین‌آمیز به‌صحت‌های علی دایی واکنش نشان داد.

بیرانوند نوشت:

علی دایی که دوست داشتم همیشه بزرگوارانه حرف بزند و با احترام از او یاد کنم در مصاحبه با برنامه‌ای که عوام‌لش برای باخت تیم ملی در جام‌جهانی دست به‌دعا برداشته بودند مرا مورد تمسخر و تحقیر قرار داد.

اینکه من به‌عنوان بازیکن یوگیم مجسمه مربی من که برای اولین‌بار در جام‌جهانی نابخته را بسازند نشان از احترام و قدرشناسی است. من که نه تبلیغات سیاسی کرده و نه از رانتی استفاده کردم بلکه به‌عنوان پسر کارگری زحمتکش بدون هیچ‌رانت و با تجربه‌هایی سخت نزدیک به ۱۰۰ بازی ملی در سه‌جام‌جهانی و جام ملت‌ها به‌تیم ملی کشورم خدمت کردم شایسته احترام هستم یا تحقیر؟

رانت‌خواری و فرصت طلبی را همه زشت و قبیح می‌دانیم اما کاش در خلوت هم آن کار را دیگر نکنیم. کاش چهره ما واقعی باشد؛ زشت یا زیبا اما واقعی. جناب دایی با ترفند نخب‌امی سکوت مدعی مردمی‌بودن است اما چنان تیم ملی را به‌یاد انتقاد می‌گیرد که انگار چه‌سوابق درخشانی در مربیگری تیم ملی دارد. آن روش مذموم که علی دایی با لایای سیاسی مربی تیم ملی شد هنوز از یاد کسی نرفته اما تنها مربی‌ای که به‌عربستان در آزادی باخته روی فراموشکاری ما حساب باز کرده است.

این روزها که کشور مورد تجاوز آمریکا و اسرائیل قرار گرفته جایی برای ادامه این بحث نیست اما دوست ندارم باور کنم درمیانه جنگ وجودی و مهنی علیه ایران اسطوره مردمی (!) فقط در نوروز نور را بر تاریکی پیروز بدارند تا با این واژه‌ها هم‌سفره کسانی شود که آرزوی بمباران ایران را داشتند. باور نمی‌کنم و حتما اینطور نیست چون با ادعای مردم دوستی نمی‌توان درمقابل جنایت میناب و دنا و بمبور و کشته‌های جنگ تحمیلی سکوت کرد.

علیرضا بیرانوند با انتشار این دورشته استوری جوابیه‌ای را به‌بدترین شکل ممکن تقدیم علی دایی کرد. او نه‌تنها اسطوره فوتبال ایران بلکه گردانندگان یک برنامه اینترنتی را هم از تنم دیگ‌گزاند و با طرح اتهام‌هایی عجیب مدعی شد که آنها برای شکست تیم ملی در جام‌جهانی دست به‌دعا برداشته بودند!

قدیمی‌ها گفتند در دعوایی که نه سر پیازش هستی و نه ته پیازش خودت را وسط معرکه نینداز! حالا هم علی دایی بهتر از هرکسی می‌داند چگونه و با چه‌ادبیاتی پاسخ بیرانوند را بدهد اما شاید بد نباشد جناب دروازه‌بان قبل از سفارش ساخت مجسمه برای خودش، سرمربی و هم‌تیمی‌هایش به‌چند سوال ساده مردم پاسخ بدهد.

«چرا تیم ملی از رانت ۴۸تیمی‌شدن جام‌جهانی استفاده نکرد، چرا از هم‌گروهی با نیوزیلند، یکی از ضعیف‌ترین تیم‌های جام پره نبرد و حتی نتوانست به‌مرحله حذفی صعود کند و چرا وعده تعطیلی ایران بعد از نتایج تیم ملی به‌حذف در همان مرحله گروهی ختم شد؟» اینها سوال‌های اصلی مردم است و نه جنگ اینستاگرامی با علی دایی.

کنترل‌ارفتن با دایی که اساسا در قواره‌های بیرانوند نمی‌گنجد فقط بخش فرعی ماجراست. متن اصلی حذف تیم ملی از جام‌جهانی است.

نکته مهم‌تر اما این است که بیرانوند و برخی اعضای کادرفنی به‌جای پذیرش مسوولیت ترجیح دادند منتقلان را هدف بگیرند. گویی اگر علی دایی، مهدوی‌کیا، فردوسی‌پور یا هر منتقد دیگری سکوت کرده بود ایران به‌مرحله حذفی جام‌جهانی صعود می‌کرد!

درنهایت سوال مهم دیگری هم باقی می‌ماند: حالا که این همه از عملکرد تیم ملی دفاع می‌کنید و حذف را به‌یک دستاورد بزرگ تبدیل کردید بد نیست درباره پاداش‌های‌میلیاردی فیفا و نحوه تقسیم آنها هم توضیح بدهید.

مردم هنوز منتظر پاسخ همین سوال‌ها هستند و نه استوری‌های طلبکارانه و حمله به‌اسطوره‌های فوتبال ایران.

کارت قرمز ترامپ برای توخل!

TIMES – در اظهار نظری عجیب ترامپ به‌توماس

توخل تاخت.

ریس‌جمهور ایلات‌متحده پس از شکست انگلیس مقابل آرژانتین از تصمیم‌های تاکتیکی توماس توخل انتقاد کرد. او گفت که متوجه نمی‌شود چرا هری کین که به‌گفته خودش هم‌بازی گلش بوده در دقایقی از بازی نقش دفاعی‌تری داشته است. ترامپ حتی با لحنی طنزآمیز گفت: «هن از فوتبال چه می‌دانم؟» اما در

ادامه هم تصمیم توخل را زیر سوال برد.

ترامپ در مراسم فیفا که روز جمعه در برج ترامپ برگزار شد، درباره حذف انگلیس گفت: انگلیس بازیکن فوق‌العاده‌ای دارد که من یا او کلف بازی کردم؛ هری کین. او بازیکنی فوق‌العاده است. به‌نظم اشتباه کردند که او را به‌یک بازیکن دفاعی تبدیل کردند. من از فوتبال چه می‌دانم؟ اما آنها جلو افتادند و بعد بهترین بازیکنشان را عقب بردند تا دفاع کند. باید کمی ته‌اجمی‌تر باشید مگر نه؟ البته من نمی‌خواهم درباره مربیگری نظر قطعی بدهم. من چه از مربیگری می‌دانم؟ اما این تصمیم غیرعادی بود. با این حال هری واقا آدم فوق‌العاده‌ای است.

عقباتجمن منصف روزنامه‌های غیر دولتی و تعاونی مطبوعات این نامه اخلاف حرفانی
http://www.jahanesanat.ir

پایان نامه

■ صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمدرضا سعیدی
■ تلغن تحریریه: ۵-۸۹۱۸۸۴۴

■ نشانی: میدان فاطمی-خیابان جوبیسا-کوچه غفاری پلاک واحد۲۰۶
■ تلغن سازمان آگهی‌ها: ۷-۸۹۱۷۷۴۶

■ روابط عمومی: ۸۸۹۱۲۴۲۲
■ لیتوگرافی و چاپ: مصمیم
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۸۳۸۸

www.jahanesanat.ir

jahan1383@yahoo.com

«جهان‌صنعت» روایت شهروندان از خاموشی‌های روزانه را بررسی کرد

تابستان تاریک



۵ دقیق سخت بیماران

رضا ۹۶ساله و بیمار و ترکیب گرما و بیماری برای او طاقت‌فرسات. او دراین‌باره به«جهان‌صنعت» می‌گوید: «دکتر گفته زیاد توی گرما نباشم و حتما از کولر استفاده کنم اما وقتی روزی دوسه‌ساعت برق میره واقعا نمی‌دونم باید چیکار کنم. چندبار شده فشارم افتاده، سرگیجه گرفتم و مجبور شدم فقط یک گوشه بشینم تا برق برگردد. سن آدم که بالا میره تحمل گرما براش سخت میشه. حتی خواب بشوم هم به‌هم ریخته. برق که میره پنکه خاموش میشه آدم از گرما بی‌دار میشه و تا دوباره برق بیاد، همسر هم مدام نگرانم. هربار خاموشی شروع میشه می‌گه آب بخور، بیرون نرو، آروم بشین. ولی م‌گه همیشه میشه گرمای ۴۰درجه رو تحمل کرد؟ خنده‌داره اینو می‌گم آرزوم شده یک‌بار تابستون برق نره راحت تو خنکی استراحت کنم. بقیه دغدغه دارن ما هم دغدغه داریم. تکلیف کسی مثل من که بیمار هستش و تحمل گرما رو نداره چیه آقایون مسوول؟ ماه‌به‌ماه پول برق برای چی از مردم می‌گیرین؟ برای برقی که نیست م‌گه باید پول بدیم!»

معیشت در دره خاموشی

«برق که میره نصف مشتری‌هامون هم میرن» این جمله را اکبرآقای مغازه‌دار می‌گوید. او صاحب یکی از سوپرمارکت‌های تهران است که بی‌برقی باعث شده مشتری‌هایش کم شود. وی دراین‌باره به«جهان‌صنعت» گفت: «برق که میره مشتری‌ها پاشون رو تو مغازه نمیذارن. می‌گن کارت‌خوان کار نمی‌کنه یا داخل مغازه خیلی گرمه. یخچال‌ها خاموش میشن و مدام

شارژ. برق که رفته بود اومدم درس بخونم دیدم شارژ نداره. دوساعت از درسم افتادم مجبور شدم شب تا دیروقت بیدار بمونم که بتونم درس بخونم. وقتی می‌بینم هر روز دوسه‌ساعت از وقتم اینطوری از دست میره استرس بیشتری می‌گیرم. آدم برنامه‌ریزی می‌کنه ولی برنامه‌ها با این بی‌برقی به‌هم می‌ریزه. شاید برای بعضیا فقط چند ساعت برق نباشه اما برای کسی که امتحان داره، همون چند ساعت یعنی عقب افتادن از درس و بیشتر شدن اضطراب.»

خسته و کوفته

«از هفت‌صبح تا پنج‌عصر با موتور زیر آفتاب کار می‌کنم. خسته و کوفته میام خونه می‌بینم برق نیست!» این جمله را نادر به«جهان‌صنعت» گفت. او پیک موتوری است و بیشتر از همه گرما را با پوست و استخوان درک می‌کند. وی می‌گوید: «تو این گرما فقط دلم خوشه که برسم خونه دوش بگیرم و جلوی کولر استراحت کنم. ولی خیلی وقت‌ها که می‌رسم برق رفته، آدم بعد از کار زیر آفتاب واقعا چون نداره. لباس‌ت عرق کرده، آب هم با فشار کم میاد و کولر هم خاموشه. فقط می‌شین و منتظر می‌مونی برق برگرده. به‌خدا توفع زیادی نداریم فقط می‌خوایم وقتی از سر کار برمی‌گردیم خونه جای استراحت باشه نه اینکه از گرمای بیرون بیایم گرمای دیگه رو تحمل کنیم! هیچ وقت یادم نمیره وزیر نیرو تو تلویزیون می‌گفت ان‌شاءالله امسال قطعی برق نداریم. پس کو آقای وزیر؟ بازم وعده و وعید الکی؟ بی‌پولی و فشار کم بود حالا بی‌برقی هم اضافه شد؟ خسته شدیم دیگه واقعا نمیدونم چیکار باید بکنیم.»

بـر دارو به«جهان‌صنعت» گفت: «وقتی برق می‌ره تقریبا کل کارمون می‌خوابه. سیستم نسخه‌پیچی قطع میشه، بیمه بالا نمیاد، کارت‌خوان هم بعضی وقتا از کار میفته. بعد بیمار حق داره عصبانی بشه ولی اون عصبانیت سر ما خالی می‌شه. بیشترین نگرانی‌مون داروهای یخچالیه. هر بار که برق میره اولین فکری که می‌کنیم اینه که نکنه دمای یخچال بالا بره. ژنراتور هم که همه داروخونه‌ها ندارن. ما داشتیم ولی خراب شده و الان چند وقتی هستش که بخاطر گرونی تونسستم درستش کنیم. یک آقای چند روز پیش برای داروی همسرش اومده بود. سیستم قطع بود و حدود ۱۰دقیقه معطل شد. آخرش همه حرصشو سر ما خالی کرد. آخه م‌گه تقصیر ماست؟ چرا کسی فکری برای این وضعیت نمی‌کنه؟ هر تابستون کار ما شده تحمل گرما، کلافه‌شدن و مشتری‌های ناراضی که فوشش رو به‌ما می‌دن!»

امتحان در گرمای ۵۰درجه!

علی یکی از دانش‌آموزانی است که این روزها برای امتحان نهایی مشغول درس خوانن است. او با اشاره بهبحران انرژی به«جهان‌صنعت» توضیح داد: «امتحان دارم و مجبورم تو همین گرما درس بخونم. معمولا ظهرها می‌شینم پای کتاب ولی دقیقا همون موقع برق میره. بعد از چند دقیقه اتاق اونقدر گرم میشه که اصلا نمی‌تونی تمرکز کنی. گاهی میرم تو راه‌پله یا حیاط که یک ذره هوا بخورم ولی اونجا هم گرمه. امسال که مدارس مجازی بود بیشتر جزوها و سوالات داخل گوشیم و لپ‌تاپمه. چند روز پیش یادم رفته بود گوشیمو بزنم تو تهران است. او با اشاره بهتبعات قطعی برق

حاشیه

تیم ملی ایران با سه‌تساوی به‌کار خود در جام‌جهانی ۲۰۲۶ پایان داد و با اتفاقات روز پایانی مرحله گروهی نتوانست به‌جمع ۳۲تیم برتر مسابقات راه پیدا کند. از زمان حذف تیم ملی دوباره بحث درباره پاداش‌های مربوط به‌حضور در جام‌جهانی داغ شده و اخبار زیادی درخصوص مبالغ پرداخت‌شده به‌اعضای تیم به‌گوش می‌رسد.

۲۵۰میلیارد برای صعود بهجام‌جهانی

گفته می‌شود فدراسیون فوتبال پس‌از صعود تیم ملی بهجام‌جهانی برای اعضای تیم پاداش دلاری در نظر گرفته بود و مجموعا ۳۵۰میلیارد پرداخت کرد. پاداشی که فدراسیون برای اعضای تیم ملی در نظر گرفته بین ۷تا۵۰میلیاردتومان متغیر بوده و مبالغ متفاوتی به‌آنها پرداخت شده است. البته پاداش‌ها هنوز به‌همه اعضا پرداخت نشده و نفرات اجرایی تیم ملی باوجود حضور در لیست پاداش‌ها هنوز آن را دریافت نکردند.

مبالغ پاداش در جلسه هیات‌رییسه فدراسیون فوتبال تصویب شده ولی تمام اعضا با چنین‌اقدامی موافق نبودند. پرداخت پاداش‌ها باعث ایجاد اختلافاتی بین اعضای فدراسیون هم شده و چنده‌عضو معتقد بودند صعود بهجام‌جهانی درحالی که ۵/۸تیم از آسیا سهمیه می‌گیرند نیازی به‌پرداخت چنین پاداشی ندارد.

قلعه‌نویی پاداش جدا گرفت!

فدراسیون فوتبال درحالی به‌اعضای تیم ملی پاداش ۷تا۵۰میلیاردی داده که پاداش امیر قلعه‌نویی جدا محاسبه شده است. براساس اخبار منتشرشده سرمربی تیم ملی ایران بابت صعود بهجام‌جهانی میلیی در حدود ۸۰۰هزارتایک‌میلیون‌دلار گرفته که البته به‌طور ریالی پرداخت شده و قلعه‌نویی جدا از رقم قراردادش که شایعه شده ۳۰میلیارد بوده میلیی درحدود ۴۰۰میلیاردتومان برای رساندن ایران بهجام‌جهانی از فدراسیون فوتبال گرفته است. پرداخت این مبلغ به‌امیر قلعه‌نویی هم مخالفانی در هیات‌رییسه داشته ولی درنهایت فدراسیون فوتبال پاداش سرمربی تیم ملی را داده تا نیمی‌از پاداش صعود ایران بهجام‌جهانی به‌جیب او برود.

حتی شایعاتی به‌گوش رسیده بود که قلعه‌نویی پیش از دیدار با نیوزیلند خواستار پرداخت این مبلغ شده و اعلام کرده بود درصورت عدم پرداخت مبلغ در اولین بازی ایران

یک‌میلیون دلار کافی نیست؛ قلعه‌نویی پاداش بعدی را هم می‌خواهد!



پاداش صعود بهجام‌جهانی ۲۰۲۶ دریافت کرده است. نکته مهم اینجاست که ۱۶۰میلیاردتومان از ۲۱۰میلیاردتومان پاداش به‌حساب بازیکنان و اعضای کادرفنی واریز شده و درشرایطی ریس فدراسیون و اعضای هیات‌رییسه نیزدریافتند که پاداش دریافت کنند که برسر چگونگی تقسیم ۵۰میلیاردتومان باقی‌مانده چالش‌های حقوقی وجود دارد چراکه نفراتی همراه تیم ملی در قامت مشاور رفتند که باتوجهبه اینکه حقوق‌بگیر دولت هستند امکان دریافت پاداش ندارند و همین موضوع دردرساز شده است.

پاداش نجومی بابت صعود بهجام‌جهانی ۴۸تیم!

تیم ملی در این دوره برای چهارمین‌دوره متوالی بهجام‌جهانی صعود کرد و باتوجه به‌حضور ۴۸تیم و سهمیه ۵/۸تیمی‌قاره آسیا راحت‌تر از همیشه به‌این مسابقات رسید. ایران در مقامی جام‌جهانی ابتدا با ازبکستان، ترکمنستان و هنگ‌کنگ هم‌گروه بود و پس‌از صعود به‌مرحله بعدی در گروه ازبکستان، قرقیزستان، کره‌شمالی، امارات و قطر

درنهایت بهجام‌جهانی ۲۰۲۶ راه یافت. درحالی که این‌دوره تیم‌هایی مثل ازبکستان و اردن اولین‌صعودشان را تجربه کردند و عراق هم پس‌از سال‌ها نتوانست بهجام‌جهانی برسد فدراسیون فوتبال ایران تصمیم گرفته به‌ملی‌پوشان بابت بردن تیم‌هایی مثل قرقیزستان و کره‌شمالی چنین پاداش سنگینی پرداخت کند. تصمیمی که باتوجهبه شرایط صعود تیم ملی عجیب و دور از انتظار است و می‌تواند در آینده حاشی جدیدی هم به‌وجود بیاورد. به‌خصوص که همین‌حالا کادرفنی و بعضی بازیکنان به‌دنبال دریافت پاداش حضور در جام‌جهانی و حذف از مرحله گروهی بدون حتی یک پیروزی هستند!

با حذف تیم ملی در همان مرحله گروهی حالا آنچه بیش از تالیع فنی مورد توجه قرار گرفته نحوه هزینه‌کرد منابع مالی و معیارهای تعیین پاداش‌هاست. پرسشی که مطرح می‌شود این نیست که آیا اعضای تیم ملی باید بابت موفقیت‌های خود پاداش دریافت کنند یا نه بلکه این است که این پاداش‌ها برچه‌مبنایی تعیین شده و آیا میان عملکرد میزان موفقیت و رقم پرداختی تناسبی وجود داشته است؟

درشرایطی که صعود بهجام‌جهانی با افزایش سهمیه آسیا نسبت‌به ادوار گذشته مسیر هموارتری پیدا کرده و درنهایت نیز تیم ملی بدون کسب حتی یک پیروزی از مسابقات کنار رفت پرداخت ارقام چندصمیلیاردی به‌اعضای تیم و به‌ویژه سرمربی افکار عمومی را با ابهامات جدی مواجه کرده است. ازسوی‌دیگر اختلاف‌نظر در هیات‌رییسه فدراسیون، تعیین‌تکلیف‌نشدن بخشی از پاداش‌ها و مطرح‌شدن موانع حقوقی برای پرداخت به‌برخی افراد نشان می‌دهد این پرونده هنوز بسته نشده و احتمالا در ماه‌های آینده نیز محل بحث خواهد بود.

شاید مهم‌ترین مطالبه امروز نه حذف یا پرداخت پاداش بلکه شفافیت باشد؛ اینکه فدراسیون فوتبال جزئیات مصوبات، مبالغ پرداختی و معیارهای تخصیص آن را به‌صورت رسمی منتشر کند. درنهایت اعتماد افکار عمومی زمانی حفظ می‌شود که موفقیت‌ها و پاداش‌ها با معیارهای روشن قابل دفاع و متناسب با عملکرد واقعی همراه باشند؛ موضوعی که در ماجرای پاداش‌های جام‌جهانی ۲۰۲۶ بیش از هرزمان دیگری به‌یک‌مطالبه عمومی تبدیل شده است.